

کتاب تثبیه پنجمین کتاب کتابمقدس است. رویدادهای نوشته شده در این کتاب از آنها آغاز می‌شود که قوم اسرائیل، پس از چهل سال سرگردانی در بیابان، به کنار رود اردن رسیده‌اند. سرزمین موعود در آنسوی رود قرار دارد.

موسی زبان به سفن می‌کشد و به هزاران اسرائیلی که آمادهٔ ورود به کنعان هستند دستوراتی ابلاغ می‌کند. موسی نخست دلیل چهل سال سرگردانی را ذکر می‌کند، سپس مقدار ده فرمان و دستورات دیگر الهی را که خداوند توسط وی فرستاده بود، به قوم اسرائیل یادآوری می‌کند. («تثبیه» از ریشهٔ «ثانی» و به معنی مبر و دوباره است. مقصود این است که دستورات و فرمانهایی که در کتابهای قبلی ذکر شده بود، مبراً در این کتاب توسط موسی بازگو می‌شود و مورد تأکید قرار می‌گیرد.)

در فصلهای ۱۲ الی ۱۶ کتاب تثبیه، موسی دستورات خداوند را برای قوم اسرائیل بازگو می‌کند؛ و در فصلهای ۲۱ الی ۲۶، او قوانین مربوط به روابط بین مردم را مورد بررسی قرار می‌دهد و از بنی اسرائیل می‌خواهد تا از خداوند اطاعت کامل نمایند.

در بخش آخر کتاب، موسی جانشینی برای خود تعیین می‌کند تا قوم اسرائیل را بسوی سرزمین موعود رهبری کند. وی سپس به کوه نبو بلا می‌رود و از آنها سرزمین کنعان را مشاهده می‌کند. موسی در سن ۱۲۰ سالگی پیش از جهان بر می‌یفتد در حالیکه همپاشان «نیرومند بود و چشمش به ثوبی می‌دید».

^۶ وقتی ما در کوه حوریب بودیم خداوند، خدایمان به ما فرمود: «به اندازه کافی در اینجا مانده‌اید. اکنون بروید و سرزمین کوهستانی اموریها، نواحی درهٔ اردن، دشتها و کوهستانها، صحرای نِگب و تمامی سرزمین کنعان و لبنان یعنی همهٔ نواحی سواحل مدیترانه تا رود فرات را اشغال نمایید. ^۸ تمامی آن را به شما می‌دهم. داخل شده، آن را تصرف کنید، چون این سرزمینی است که من به نیاکان شما ابراهیم و اسحاق و یعقوب و تمامی نسل‌های آیندهٔ ایشان وعده داده‌ام.»

موسی قضات تعیین می‌کند

(خروج ۱۸: ۱۳-۲۷)

^۹ در آن روزها به مردم گفتم: «شما برای من سنگینی هستید و من نمی‌توانم به تنهایی این بار را به دوش بکشم، ^{۱۰} چون خداوند شما را مثل ستارگان زیاد کرده است. ^{۱۱} خداوند، خدای نیاکانتان، شما را هزار برابر افزایش دهد و طبق وعده‌اش شما را برکت دهد.

^{۱۲} اولی من چگونه می‌توانم به تنهایی تمامی دعاها و گرفتاریهاتان را حل و فصل نمایم؟ ^{۱۳} بنابراین از هر

در این کتاب، سخنرانی موسی خطاب به قوم اسرائیل، زمانی که آنها در بیابان عربیه (واقع در صحرای موآب) در شرق رود اردن بودند، ثبت شده است. شهرهای این ناحیه عبارت بودند از: سوف، فاران، توفل، لابان، حضیروت و دی ذهب. (فاصلهٔ کوه حوریب تا قادش برنیع از طریق کوه سعیر یازده روز است).^{*} این سخنرانی در روز اول ماه یازدهم سال چهلم بعد از خروج بنی اسرائیل از مصر ایراد شد. در آن زمان، سیحون، پادشاه اموری‌ها که در حشبون حکومت می‌کرد شکست خورده بود و عوج، پادشاه سرزمین باشان که در عشتاروت حکومت می‌کرد، در آذرعی مغلوب شده بود. موسی در این سخنرانی بشرح قوانین و دستورات خداوند می‌پردازد:

دستور به ترک حوریب

* ولی بنی اسرائیل این فاصله کوتاه را در مدت چهل سال طی کردند. قادش برنیع در مرز جنوبی سرزمین موعود قرار داشت.

کرده، گفتند: «لابد خداوند از ما بیزار است که ما را از مصر به اینجا آورده تا به دست اموری‌ها کشته شویم.^{۲۸} کار ما به کجا خواهد کشید؟ برادران ما که آن سرزمین را بررسی کرده‌اند با خبرهایشان ما را ترسانده‌اند. آنها می‌گویند که مردم آن سرزمین بلند قد و قوی هیکل هستند و دیوار شهرهایشان سر به فلک می‌کشد. آنها غولهایی از بنی‌عناق نیز در آنجا دیده‌اند.»^{۲۹} ولی من به ایشان گفتم: «ترسید و هراس به دلتان راه ندهید.^{۳۰} خداوند، خدای شما هادی شماست و برای شما جنگ خواهد کرد، همانطور که قبلاً در مصر و در این بیابان این کار را برای شما کرد. دیده‌اید که در تمام طول راه از شما مراقبت کرده است همانطور که یک پدر از بچه‌اش مواظبت می‌کند.»^{۳۱} ولی با این همه به خداوند اعتماد نکردند،^{۳۲} هر چند خداوند در طول راه آنها را هدایت می‌نمود و پیشاپیش آنها حرکت می‌کرد تا مکانی برای برپا کردن اردویشان پیدا کند، و شبها با ستونی از آتش و روزها با ستونی از ابر آنها را راهنمایی می‌نمود.

خداوند قوم اسرائیل را تنبیه می‌کند

(اعداد ۴: ۲۰-۴۵)

^{۳۳}آری، خداوند شکوه‌هایشان را شنید و بسیار غضبناک شد و قسم خورده، گفت: «حتی یک نفر از تمامی این نسل شریر زنده نخواهد ماند تا سرزمین حاصلخیزی را که به پدرانشان وعده داده بودم ببیند.^{۳۴} مگر کالِب پسر یُفنه، من زمینی را که او بررسی کرده است به او و به نسلش خواهم داد، زیرا از من اطاعت کامل نمود.»

^{۳۵}خداوند بخاطر آنها بر من نیز خشمناک شد و به من فرمود: «تو به سرزمین موعود داخل نخواهی شد.^{۳۶} بجای تو، دستیارَت یوشع (پسر نون) قوم را هدایت خواهد کرد. او را تشویق کن تا برای بعهده گرفتن رهبری آماده شود.»

^{۳۷}سپس خداوند خطاب به همه ما فرمود: «من سرزمین موعود را به همان اطفالی که می‌گفتید دشمنان، آنها را به اسارت خواهند برد، به ملکیت خواهم داد.^{۳۸} اما شما

قبیله چند مرد دانا و مجرب و فهمیده انتخاب کنید و من آنها را به رهبری شما منصوب خواهم کرد.»^{۳۹} ایشان با این امر موافقت کردند^{۴۰} و من افرادی را که آنها از هر قبیله انتخاب کرده بودند برایشان گماردم تا مسئولیت گروه‌های هزار، صد، پنجاه و ده نفری را بعهده گرفته، به حل دعوای آنان بپردازند.^{۴۱} به آنها دستور دادم که در همه حال، عدالت را کاملاً رعایت کنند، حتی نسبت به غریبه‌ها.^{۴۲} به آنها گوشزد کردم: «هنگام داوری از کسی جانبداری نکنید، بلکه نسبت به بزرگ و کوچک یکسان قضاوت نمایید. از مردم نترسید، چون شما از طرف خداوند داوری می‌کنید. هر مسئله‌ای که حل آن برایتان مشکل است نزد من بیاورید تا من آن را فیصله دهم.»^{۴۳} در همان وقت دستورات دیگری را هم که قوم می‌بایست انجام دهند، به ایشان دادم.

بررسی سرزمین کنعان

(اعداد ۱۳: ۱-۳۳)

^{۴۴}آنگاه طبق دستور خداوند، خدایمان کوه حوریب را ترک گفته، از بیابان بزرگ و ترسناک گذشتیم و سرانجام به میان کوهستانهای اموری‌ها رسیدیم. بعد به قادش برنیع رسیدیم و من به قوم گفتم: «خداوند، خدایمان این سرزمین را به ما داده است. بروید و همچنانکه به ما امر فرموده آن را تصرف کنید. نترسید و هراس به دلتان راه ندهید.»

^{۴۵}ولی آنها جواب دادند: «بباید افرادی به آنجا بفرستیم تا آن سرزمین را بررسی کنند و گزارشی از شهرهای آنجا به ما بدهند تا ما بدانیم از چه راهی می‌توانیم به آنجا رخنه کنیم.»

^{۴۶}این پیشنهاد را پسندیدم و دوازده نفر، یعنی از هر قبیله یک نفر، انتخاب کردم.^{۴۷} آنها از میان کوهستانها گذشته، به وادی اشکول رسیده، آنجا را بررسی کردند و با نمونه‌هایی از میوه‌های آن سرزمین مراجعت نموده، گفتند: «سرزمینی که خداوند، خدایمان به ما داده است سرزمین حاصلخیزی است.»^{۴۸} ولی قوم از ورود به آنجا خودداری نموده، علیه دستور خداوند قیام کردند.^{۴۹} آنها در خیمه‌هایشان غرغر و شکایت

شما مراقبت نموده است. او در تمام کارهایتان به شما برکت داده و شما هیچوقت محتاج به چیزی نبوده‌اید.»^۱ بنابراین ما از کنار سعیر که برادرانمان در آنجا زندگی می‌کردند گذشتیم و جاده‌ای را که بسمت جنوب به ایلت و عسیون جابر می‌رود قطع نموده، رو به شمال بطرف بیابان موآب کوچ کردیم.

آنگاه خداوند به ما چنین هشدار داد: «با موآبها که از نسل لوط هستند کاری نداشته باشید و با ایشان وارد جنگ نشوید. من شهر عار را به ایشان داده‌ام و هیچ زمینی را از سرزمین ایشان به شما نخواهم داد.»

«ایمی‌ها که قبیله بسیار بزرگی بودند قبلاً در آن ناحیه سکونت داشتند و مثل غولهای عنافی بلند قد بودند. ایمی‌ها و عنافی‌ها غالباً رفائی خوانده می‌شوند، ولی موآبها ایشان را ایمی می‌خوانند.^{۱۲} در روزگار پیشین حوریها در سعیر سکونت داشتند، ولی ادومی‌ها یعنی اعقاب عیسو آنها را بیرون رانده، جایشان را گرفتند، همانطور که اسرائیل جای مردم کنعان را که خداوند سرزمینشان را به اسرائیل بخشیده بود، گرفتند.»

خداوند فرمود: «اکنون برخیزید و از رود زارد بگذرید.» ما چنین کردیم.^{۱۳} سی و هشت سال پیش، ما قادش را ترک گفته بودیم. همانطور که خداوند فرموده بود، در این مدت تمام جنگجویان ما از بین رفتند.^{۱۴} خداوند برضد آنها بود و سرانجام همه آنها را از بین برد.^{۱۵} پس از اینکه تمام جنگجویان مردند^{۱۶} خداوند به من فرمود: «امروز باید از شهر عار که در مرز موآب است بگذرید.^{۱۷} وقتی به سرزمین عمونیها که از نسل لوط هستند نزدیک شدید با آنها کاری نداشته باشید و با ایشان وارد جنگ نشوید، زیرا هیچ زمینی را از سرزمینی که به ایشان بخشیده‌ام، به شما نخواهم داد.»

«آن ناحیه نیز زمانی محل سکونت رفائیها که عمونیها ایشان را زمزمی می‌خوانند، بود. آنها قبیله بسیار بزرگی بودند و مثل عناقیها قد بلندی داشتند، ولی خداوند ایشان را هنگام ورود عمونی‌ها از بین برد و عمونی‌ها بجای ایشان در آنجا سکونت کردند.^{۱۸} خداوند به همین نحو به اعقاب عیسو در کوه سعیر کمک کرده بود و آنها حوری‌ها را که قبل از ایشان در

اکنون برگردید و از راهی که بسوی دریای سرخ می‌رود به بیابان بروید.»

آنگاه قوم اسرائیل اعتراف نموده، به من گفتند: «ما گناه کرده‌ایم؛ اما اینک به آن سرزمین می‌رویم و همانطور که خداوند، خدایمان به ما امر فرموده است برای تصاحب آن خواهیم جنگید.» پس اسلحه‌هایشان را به کمر بستند و گمان کردند که غلبه بر تمامی آن ناحیه آسان خواهد بود.

ولی خداوند به من گفت: «به ایشان بگو که این کار را نکنند، زیرا من با ایشان نخواهم رفت و دشمنانشان آنها را مغلوب خواهند کرد.»

من به ایشان گفتم، ولی گوش ندادند. آنها مغرور شده، فرمان خداوند را اطاعت نکردند و برای جنگیدن به کوهستان برآمدند.^{۱۹} ولی اموریهایی که در آنجا ساکن بودند برای مقابله با آنها بیرون آمده، مثل زنبور ایشان را دنبال کردند و از سعیر تا حرمه آنها را کشتند.^{۲۰} آنگاه قوم اسرائیل بازگشته، در حضور خداوند گریستند، ولی خداوند گوش نداد.^{۲۱} سپس آنها مدت مدیدی در قادش ماندند.

سالهای آوارگی در بیابان

آنگاه طبق دستور خداوند بازگشتیم و از راهی که بسوی دریای سرخ می‌رود به بیابان رفتیم. سالهای زیادی در اطراف ناحیه کوه سعیر سرگردان بودیم. سرانجام خداوند فرمود:

«به اندازه کافی در این کوهستان سرگردان بوده‌اید. حال بسمت شمال بروید. به قوم بگو که ایشان از مرز سرزمینی خواهند گذشت که به برادرانشان ادومی‌ها تعلق دارد. (ادومی‌ها از نسل عیسو هستند و در سعیر زندگی می‌کنند.) آنها از شما خواهند ترسید، ولی شما با ایشان نجنگید، چون من تمام سرزمین کوهستانی سعیر را بعنوان ملک دایمی به ایشان داده‌ام و حتی یک وجب از زمین ایشان را به شما نخواهم داد.^۱ در آنجا به ازای آب و غذایی که مصرف می‌کنید، پول بپردازید.^۲ خداوند، خدایتان در تمام چهل سالی که در این بیابان بزرگ سرگردان بوده‌اید با شما بوده و قدم به قدم از

را هم با غنایمی که از تسخیر شهرها به چنگ آورده بودیم با خود بردیم.^{۳۶} ما از عروعر که در کناره دره ارنون است تا جلعاد، همه شهرها را به تصرف خود درآوردیم. حتی یک شهر هم در برابر ما قادر به مقاومت نبود، زیرا خداوند، خدایمان تمامی آنها را به ما داده بود.^{۳۷} ولی ما به سرزمین بنی عمون و به رود یبوق و شهرهای کوهستانی یعنی جاهایی که خداوند، خدایمان قدغن فرموده بود، نزدیک نشدیم.

شکست عوج پادشاه

(اعداد ۲۱: ۳۱-۳۵)

۳ سپس به جانب سرزمین باشان روی آوردیم. عوج، پادشاه باشان لشکر خود را بسیج نموده، در آذرعی به ما حمله کرد. ولی خداوند به من فرمود که از او نترسم. خداوند به من گفت: «تمام سرزمین عوج و مردمش در اختیار شما هستند. با ایشان همان کنید که با سیحون، پادشاه اموری‌ها در حشبون کردید.» بنابراین خداوند، خدای ما عوج پادشاه و همه مردمش را به ما تسلیم نمود و ما همه آنها را کشتیم. تمامی شصت شهرش یعنی سراسر ناحیه ارجوب باشان را به تصرف خود درآوردیم. این شهرها با دیوارهای بلند و دروازه‌های پشت بندهار محافظت می‌شد. علاوه بر این شهرها، تعداد زیادی آبادی بی‌حصار نیز بودند که به تصرف ما درآمدند.^{۳۸} ما سرزمین باشان را مثل قلمرو سیحون پادشاه واقع در حشبون، کاملاً نابود کردیم و تمام اهالی آن را چه مرد، چه زن و چه کودک، از بین بردیم؛^{۳۹} ولی گله‌ها و غنایم جنگی را برای خود نگه‌داشتیم.

^{۴۰} پس ما بر تمام سرزمین دو پادشاه اموری واقع در شرق رود اردن، یعنی بر کلیه اراضی از دره ارنون تا کوه حرمون، مسلط شدیم.^{۴۱} (صیدونیه کوه حرمون را سریون و اموریها آن را سنیر می‌خوانند.)^{۴۲} اما کلیه شهرهای واقع در آن جلگه و تمامی سرزمین جلعاد و باشان را تا شهرهای سلخه و ادرعی تصرف کردیم.^{۴۳} ناگفته نماند که عوج، پادشاه باشان آخرین بازمانده رفائی‌های غول پیکر بود. تختخواب آهنی او که در شهر

آنجا سکونت داشتند از بین برده و تا امروز بجای ایشان ساکن شده‌اند.^{۴۴} وضع مشابه دیگر، زمانی اتفاق افتاد که مردم کفتور به قبیله عویها که تا حدود غزه در دهکده‌های پراکنده‌ای سکونت داشتند حمله نموده، آنها را هلاک کردند و بجای ایشان ساکن شدند.)^{۴۵} آنگاه خداوند فرمود: «از رود ارنون گذشته، به سرزمین سیحون اموری، پادشاه حشبون داخل شوید. من او را و سرزمینش را به شما داده‌ام. با او بجنگید و سرزمین او را به تصرف خود درآورید.^{۴۶} از امروز ترس شما را بر دل مردم سراسر جهان می‌گذارم. آنها آوازه شما را می‌شنوند و به وحشت می‌افتند.»

شکست سیحون پادشاه

(اعداد ۲۱: ۳۰-۳۱)

^{۴۷} سپس از صحرائ قدیموت سفیرانی با پیشنهاد صلح نزد سیحون، پادشاه حشبون فرستادم.^{۴۸} پیشنهاد ما این بود: «اجازه دهید از سرزمین شما عبور کنیم. از جاده اصلی خارج نخواهیم شد و بطرف مزارع اطراف آن نخواهیم رفت.^{۴۹} هنگام عبور برای هر لقمه نانی که بخوریم و هر جرعه آبی که بنوشیم، پول خواهیم داد. تنها چیزی که می‌خواهیم، اجازه عبور از سرزمین شماست.^{۵۰} آدمی‌های ساکن سعیر اجازه عبور از سرزمین خود را به ما دادند. موآبی‌ها هم که پایتختشان در عار است همین کار را کردند. ما از راه اردن به سرزمینی که خداوند، خدایمان به ما داده است می‌رویم.»^{۵۱} ولی سیحون پادشاه موافقت نکرد، زیرا خداوند، خدای شما او را سختدل گردانید تا او را به دست اسرائیل نابود کند، همچنانکه الان شده است.

^{۵۲} آنگاه خداوند به من فرمود: «اکنون به تدریج سرزمین سیحون پادشاه را به شما می‌دهم. پس از اینکه آنجا را تصرف کردید، این سرزمین از آن شما خواهد بود.»^{۵۳} آنگاه سیحون پادشاه به ما اعلان جنگ داد و نیروهایش را در یاهص بسیج کرد.^{۵۴} ولی خداوند، خدایمان او را به ما تسلیم نمود و ما او را با تمام پسران و فرزانش کشتیم و تمامی شهرهایش را به تصرف خود درآورده، همه مردان و زنان و اطفال را از بین بردیم.^{۵۵} به غیر از گله‌هایشان، موجود دیگری را زنده نگذاشتیم. این گله‌ها

^{۲۱} بعد به یوشع گفتیم: «تو با چشمانت دیدی که خداوند، خدایت با آن دو پادشاه چگونه عمل نمود. او با تمامی ممالک آنطرف رود اردن نیز همین کار را خواهد کرد.»^{۲۲} از مردم آنجا نترسید، چون خداوند، خدایتان برای شما خواهد جنگید.»

خدا به موسی اجازه ورود به سرزمین موعود را نمی دهد

^{۲۳} و^{۲۴} آنگاه از خداوند چنین درخواست نمودم: «ای خداوند، التماس می‌کنم اجازه فرمایی از این رود گذشته، وارد سرزمین موعود بشوم، به سرزمین حاصلخیز آنطرف رود اردن با رشته کوه‌های آن و به سرزمین لبنان. آرزو مندم نتیجه بزرگی و قدرتی را که به ما نشان داده‌ای ببینم. کدام خدایی در تمام آسمان و زمین قادر است آنچه را که تو برای ما کرده‌ای بکند؟»^{۲۵} ولی خداوند بسبب گناهان شما بر من غضبناک بود و به من اجازه عبور نداد. او فرمود: «دیگر از این موضوع سخنی بر زبان نیاور.»^{۲۶} به بالای کوه پیسگاه برو. از آنجا می‌توانی به هر سو نظر اندازی و سرزمین موعود را از دور ببینی؛ ولی از رود اردن عبور نخواهی کرد.^{۲۸} یوشع را به جانشینی خود بگمار و او را تقویت و تشویق کن، زیرا او قوم را برای فتح سرزمینی که تو از قله کوه خواهی دید، به آنطرف رودخانه هدایت خواهد کرد.»^{۲۹} بنابراین ما در دره نزدیک بیت فغور ماندیم.

موسی قوم را ترغیب به اطاعت می کند

۴ اکنون ای اسرائیل، به قوانینی که به شما یاد می‌دهم بدقت گوش کنید و اگر می‌خواهید زنده مانده، به سرزمینی که خداوند، خدای پدرانتان به شما داده است داخل شوید و آن را تصاحب کنید از این دستورات اطاعت نمایید. قوانین دیگری به اینها نیفزاید و چیزی کم نکنید، بلکه فقط این دستورات را اجرا کنید؛ زیرا این قوانین از جانب خداوند، خدایتان می‌باشد.^۳ دیدید که چگونه خداوند در بلع فغور همه کسانی را که بت بلع را پرستیدند از بین برد، ولی همگی شما که به خداوند، خدایتان وفادار بودید تا به امروز زنده مانده‌اید.

رَبَّت، یکی از شهرهای عمونیا نگهداری می‌شود حدود چهار متر طول و دو متر عرض دارد.

قبیله‌های شرق رود اردن

(اعداد ۱: ۳۲-۴۲)

^{۱۲} در آن موقع، من سرزمین تسخیر شده را به قبیله‌های رثوبین، جاد و نصف قبیله منسی دادم. به قبیله‌های رثوبین و جاد ناحیه شمال عروعر را که در کنار رود ارنون است به اضافه نصف کوهستان جلعاد را با شهرهایش دادم.^{۱۳} و به نصف قبیله منسی باقیمانده سرزمین جلعاد و تمام سرزمین باشان را که قلمرو قبلی عوج پادشاه بود واگذار کردم. (منطقه ارجوب درباشان را سرزمین رفائیه نیز می‌نامند.)^{۱۴} طایفه یائیر از قبیله منسی تمامی منطقه ارجوب (باشان) را تا مرزهای جشوری‌ها و معکیها گرفتند و آن سرزمین را به اسم خودشان نام‌گذاری کرده، آنجا را همچنانکه امروز هم مشهور است خووت یائیر (یعنی «دهستانهای یائیر») نامیدند.^{۱۵} بعد جلعاد را به طایفه ماخیر دادم.^{۱۶} قبیله‌های رثوبین و جاد منطقه‌ای را که از رود یبوق در جلعاد (که سرحد عمونیا بود) شروع می‌شد و تا وسط جلگه رود ارنون امتداد می‌یافت، گرفتند.^{۱۷} مرز غربی ایشان رود اردن بود که از دریاچه جلیل تا دریای مرده و کوه پیسگاه ادامه می‌یافت.^{۱۸} آنگاه من به قبیله‌های رثوبین و جاد و نصف قبیله منسی یادآوری کردم که اگر چه خداوند آن سرزمین را به ایشان داده است با اینحال حق سکونت در آنجا را نخواهند داشت تا زمانی که مردان مسلحشان در پیشاپیش بقیه قبیله‌ها، آنها را به آنسوی رود اردن یعنی به سرزمینی که خدا به ایشان وعده داده، برسانند.^{۱۹} به ایشان گفتم: «ولی زنان و فرزندانان می‌توانند اینجا در این شهرهایی که خداوند به شما داده است سکونت کرده، از گله‌هایتان (که می‌دانم تعدادشان زیاد است) مواظبت کنند.»^{۲۰} شما به برادران خود کمک کنید تا خداوند به آنها نیز پیروزی بدهد. وقتی آنها سرزمینی را که خداوند، خدایتان در آنطرف رود اردن به ایشان داده است تصرف کردند، آنگاه شما می‌توانید به سرزمین خود بازگردید.»

روی زمین آفریده است می‌بینید، آنها را پرستش نکنید. ^{۲۰} خداوند شما را از مصر، از آن کوره آتش، بیرون آورد تا قوم خاص او و میراث او باشید، چنانکه امروز هستید. ^{۲۱} ولی بخاطر شما نسبت به من خشمناک گردید و به تأکید اعلام فرمود که من به آنسوی رود اردن یعنی به سرزمین حاصلخیزی که به شما به میراث داده است نخواهم رفت. ^{۲۲} من اینجا در اینسوی رودخانه خواهم مرد، ولی شما از رودخانه عبور خواهید کرد و آن زمین حاصلخیز را تصرف خواهید نمود. ^{۲۳} هوشیار باشید مبادا عهدی را که خداوند، خدایان با شما بسته است بشکنید! اگر دست به ساختن هرگونه بتی بزنید آن عهد را می‌شکنید، چون خداوند، خدایان این کار را بکلی منع کرده است. ^{۲۴} او آتشی سوزنده و خدایی غیور است.

^{۲۵} حتی اگر سالها در سرزمین موعود ساکن بوده، در آنجا صاحب فرزندان و نوادگان شده باشید، ولی با ساختن بت خود را آلوده کرده با گناهانتان خداوند را غضبناک سازید، ^{۲۶} زمین و آسمان را شاهد می‌آورم که در آن سرزمینی که با گذشتن از رود اردن آن را تصاحب خواهید کرد، نابود خواهید شد. عمرتان در آنجا کوتاه خواهد بود و بکلی نابود خواهید شد. ^{۲۷} خداوند شما را در میان قوم‌ها پراکنده خواهد کرد و تعدادتان بسیار کم خواهد شد. ^{۲۸} در آنجا، بت‌هایی را که از چوب و سنگ ساخته شده‌اند پرستش خواهید کرد، بت‌هایی که نه می‌بینند، نه می‌شنوند، نه می‌بویند و نه می‌خورند.

^{۲۹} ولی اگر شما دوباره شروع به طلبیدن خداوند، خدایان کنید، زمانی او را خواهید یافت که با تمام دل و جانتان او را طلبیده باشید. ^{۳۰} وقتی در سختی باشید و تمام این حوادث برای شما رخ دهد، آنگاه سرانجام به خداوند، خدایان روی آورده، آنچه را که او به شما بگوید اطاعت خواهید کرد. ^{۳۱} خداوند، خدایان رحیم است، پس او شما را ترک نکرده، نابود نخواهد نمود و عهدی را که با پدران شما بسته است فراموش نخواهد کرد.

^{۳۲} در تمامی تاریخ، از وقتی که خدا انسان را روی زمین آفرید، از یک گوشه آسمان تا گوشه دیگر جستجو کنید و ببینید آیا می‌توانید چیزی شبیه به این پیدا کنید که ^{۳۳} قومی صدای خداوند را که از میان آتش با آنها سخن

^{۲۰} تمام قوانینی را که خداوند، خدایم به من داده است، به شما یاد داده‌ام. پس وقتی به سرزمین موعود وارد شده، آن را تسخیر نمودید از این قوانین اطاعت کنید. اگر این دستورات را اجرا کنید به داشتن حکمت و بصیرت مشهور خواهید شد. زمانی که قوم‌های مجاور، این قوانین را بشنوند خواهند گفت: «این قوم بزرگ از چه حکمت و بصیرتی برخوردار است!» ^{۲۱} هیچ قومی، هر قدر هم که بزرگ باشد، مثل ما خدایی ندارد که در بین آنها بوده، هر وقت او را بخوانند، فوری جواب دهد. ^{۲۲} هیچ ملتی، هر قدر هم که بزرگ باشد، چنین احکام و قوانین عادلانه‌ای که امروز به شما یاد دادم، ندارد.

^{۲۳} ولی مواظب باشید و دقت کنید مبادا در طول زندگی‌تان آنچه را که با چشمانتان دیده‌اید فراموش کنید. همه این چیزها را به فرزندان و نوادگانتان تعلیم دهید. ^{۲۴} به یاد آورید آن روزی را که در کوه حوریب در برابر خداوند ایستاده بودید و او به من گفت: «مردم را به حضور من بخوان و من به ایشان تعلیم خواهم داد تا یاد بگیرند همیشه مرا احترام کنند و دستورات مرا به فرزندانشان بیاموزند.» ^{۲۵} شما در دامنه کوه ایستاده بودید. ابرهای سیاه و تاریکی شدید اطراف کوه را فرا گرفته بود و شعله‌های آتش از آن به آسمان زبانه می‌کشید. ^{۲۶} آنگاه خداوند از میان آتش با شما سخن گفت. شما کلامش را می‌شنیدید، ولی او را نمی‌دیدید. ^{۲۷} او قوانینی را که شما باید اطاعت کنید یعنی «ده فرمان» را اعلام فرمود و آنها را بر دو لوح سنگی نوشت. ^{۲۸} آری، در همان وقت بود که خدا به من دستور داد قوانینی را که باید بعد از رسیدن به سرزمین موعود اجرا کنید به شما یاد دهم.

نهی از بت پرستی

^{۲۹} شما در آن روز در کوه حوریب وقتی که خداوند از میان آتش با شما سخن می‌گفت، شکل و صورتی از او ندیدید. پس مواظب باشید ^{۳۰} مبادا با ساختن مجسمه‌ای از خدا خود را آلوده سازید، یعنی با ساختن بتی به هر شکل، چه به صورت مرد یا زن، ^{۳۱} و چه به صورت حیوان یا پرنده، ^{۳۲} خزنده یا ماهی. ^{۳۳} همچنین وقتی به آسمان نگاه می‌کنید و خورشید و ماه و ستارگان را که خدا برای تمام قوم‌های

گفته است مثل شما شنیده و زنده مانده باشد!^{۳۴} در کجا می‌توانید هرگز چنین چیزی را پیدا کنید که خداوند با فرستادن بلاهای ترسناک و بوسیلهٔ معجزات عظیم و جنگ و وحشت، قومی را از بردگی رها ساخته باشد؟ ولی خداوند، خدایان همهٔ این کارها را در مصر پیش چشمانتان برای شما انجام داد.^{۳۵} خداوند این کارها را کرد تا شما بدانید که فقط او خداست و کسی دیگر مانند او وجود ندارد.^{۳۶} او هنگامی که از آسمان به شما تعلیم می‌داد اجازه داد که شما صدایش را بشنوید؛ او گذاشت که شما ستون بزرگ آتشش را روی زمین ببینید. شما حتی کلامش را از میان آتش شنیدید.^{۳۷}

ده فرمان

(خروج ۲۰: ۱-۱۷)

موسی به سخنانش ادامه داده، گفت:

۵ ای قوم اسرائیل، اکنون به قوانینی که خداوند به شما داده است گوش کنید. آنها را یاد بگیرید و بدقت انجام دهید.

۲ خداوند، خدایمان در کوه حوریب عهدی با شما بست. ۳ این عهد را نه با پدرانمان بلکه با شما که امروز زنده هستید بست. ۴ او در آن کوه از میان آتش رودرو با شما سخن گفت. ۵ من بعنوان واسطه‌ای بین شما و خداوند ایستادم، زیرا شما از آن آتش می‌ترسیدید و بالای کوه پیش او نرفتید. او با من سخن گفت و من قوانینش را به شما سپردم. آنچه فرمود این است:

۶ «من خداوند، خدای تو هستم، همان خدایی که تو را از اسارت و بندگی مصر آزاد کرد.

۷ «تو را خدایان دیگر غیر از من نباشد.

۸ «هیچگونه بتی به شکل حیوان یا پرنده یا ماهی برای خود درست نکن. ۹ دربرابر آنها زانو نزن و آنها را پرستش نکن، زیرا من که خداوند، خدای تو می‌باشم، خدای غیوری هستم و کسانی را که از من نفرت دارند مجازات می‌کنم. این مجازات شامل حال فرزندان آنها تا نسل سوم و چهارم نیز می‌شود. ۱۰ اما بر کسانی که مرا دوست بدارند و دستورات مرا پیروی کنند، تا هزار پشت رحمت می‌کنم.

۱۱ «از نام من که خداوند، خدای تو هستم سوء استفاده نکن. اگر نام مرا با بی‌احترامی بر زبان بیاوری یا به آن قسم دروغ بخوری، تو را مجازات می‌کنم.

چون او پدران شما را دوست داشت و اراده نمود که فرزندان‌شان را برکت دهد، پس شخص شما را از مصر با نمایش عظیمی از قدرت خود بیرون آورد. ۳۸ او قوم‌های دیگر را که قویتر و بزرگتر از شما بودند پراکنده نمود و سرزمین‌شان را بطوری که امروز مشاهده می‌کنید، به شما بخشید. ۳۹ پس امروز به خاطر آرید و فراموش نکنید که خداوند، هم خدای آسمانها و هم خدای زمین است و هیچ خدایی غیر از او وجود ندارد! ۴۰ شما باید قوانینی را که امروز به شما می‌دهم اطاعت کنید تا خود و فرزندان‌تان کامیاب بوده، تا به ابد در سرزمینی که خداوند، خدایان به شما می‌بخشد زندگی کنید.

شهرهای پناهگاه در شرق رود اردن

۱ آنگاه موسی سه شهر در شرق رود اردن تعیین کرد ۲ تا اگر کسی تصادفاً شخصی را بکشد برای فرار از خطر به آنجا پناه ببرد. ۳ این شهرها عبارت بودند از: باصر واقع در اراضی مسطح بیابان برای قبیلهٔ رئوبین، راموت در جلعاد برای قبیلهٔ جاد، و جولان در باشان برای قبیلهٔ منسی.

ابلاغ قوانین خدا به قوم اسرائیل

۱ و وقتی قوم اسرائیل از مصر خارج شده و در شرق رود اردن در کنار شهر بیت فغور اردو زده بودند، موسی قوانین خدا را به آنها داد. (این همان سرزمینی بود که قبلاً اموری‌ها در زمان سلطنت سیحون پادشاه

کسی می‌تواند صدای خداوند زنده را که از درون آتش سخن می‌گوید، بشنود و زنده بماند؟ پس تو برو و به تمامی سخنانی که خداوند می‌گوید گوش کن، بعد آمده، آنها را برای ما بازگو کن و ما آنها را پذیرفته، اطاعت خواهیم کرد.»

^{۲۸}خداوند درخواستان را پذیرفت و به من گفت: «آنچه که قوم اسرائیل به تو گفتند شنیدم و می‌پذیرم. ^{۲۹}ای کاش همیشه چنین دلی داشته باشی و از من بترسند و تمام اوامر مرا بجا آورند. در آنصورت زندگی خودشان و زندگی فرزندانشان در تمام نسل‌ها با خیر و برکت خواهد گذشت. ^{۳۰}آکنون برو و به آنها بگو که به خیمه‌هایشان بازگردند. ^{۳۱}سپس برگشته، اینجا درکنار من بایست و من تمامی اوامر را به تو خواهم داد. تو باید آنها را به قوم تعلیم دهی تا قوانین مرا در سرزمینی که به ایشان می‌دهم اطاعت کنند.»

^{۳۲}پس بایستی تمام اوامر خداوند، خدایتان را اطاعت کنید و دستورات او را بدقت بجا آورید و آنچه را که او می‌خواهد انجام دهید. اگر چنین کنید در سرزمینی که به تصرف در می‌آورید زندگی طولانی و پربرکتی خواهید داشت.

فرمان بزرگ

خداوند، خدایتان به من فرمود که تمامی این قوانین را به شما تعلیم دهم تا در سرزمینی که بزودی وارد آن می‌شوید، آنها را بجا آورید، ^۱و بدین ترتیب شما و پسران و نوادگانتان خداوند، خدایتان را با اطاعت از کلیه احکامش در تمام طول زندگی خود احترام کنید تا عمر طولانی داشته باشید. بنابراین ای اسرائیل به هر یک از فرامین بدقت گوش کنید و مواظب باشید آنها را اطاعت کنید تا زندگی پربرکتی داشته باشید. اگر این دستورات را بجا آورید در سرزمین حاصلخیزی که در آن شیر و عسل جاری است همچنانکه خداوند، خدای پدرانان به شما وعده فرمود، قوم بزرگی خواهید شد.

^۲ای بنی‌اسرائیل گوش کنید: تنها خدایی که وجود دارد، خداوند ماست. ^۳شما باید او را با تمامی دل و جان و توانایی خود دوست بدانید. ^۴این قوانینی که امروز به

^۵«روز سبت را به یاد داشته باش و آن را مقدس بدار. من که خداوند، خدای تو هستم این را به تو امر می‌کنم. ^۶در هفته شش روز کار کن، ^۷ولی در روز هفتم که «سبت خداوند» است هیچ کاری نکن نه خودت، نه پسرت، نه دخترت، نه غلامت، نه کنیزت، نه مهمانانت و نه حتی چهارپایانت. غلام و کنیزت باید مثل خودت استراحت کنند. ^۸به یاد آور که در سرزمین مصر غلام بودی و من که خداوند، خدای تو هستم با قدرت و قوت عظیم خود تو را از آنجا بیرون آوردم. به این دلیل است که به تو امر می‌کنم سبت را نگه داری.

^۹«پدر و مادر خود را احترام کن، زیرا این فرمان خداوند، خدای توست. اگر چنین کنی، در سرزمینی که خداوند، خدایت به تو خواهد بخشید، عمری طولانی و پربرکت خواهی داشت.

^{۱۰}«قتل نکن.

^{۱۱}«زنا نکن.

^{۱۲}«دزدی نکن.

^{۱۳}«دروغ نگو.

^{۱۴}«چشم طمع به مال و ناموس دیگران نداشته باش. به فکر تصاحب غلام و کنیز، گاو و الاغ، زمین و اموال همسایه‌ات نباش.»

ترس مردم

(خروج ۲۰: ۱۸-۲۱)

^۱این بود قوانینی که خداوند در کوه سینا به شما داد. او این قوانین را با صدای بلند از میان آتش و ابر غلیظ اعلام فرمود و غیر از این قوانین، قانون دیگری نداد. آنها را روی دو لوح سنگی نوشت و به من داد. ^۲ولی وقتی که آن صدای بلند از درون تاریکی به گوشتان رسید و آتش مهیب سر کوه را دیدید کلیه رهبران قبیله‌هایتان نزد من آمدند ^۳و گفتند: «امروز خداوند، خدایمان جلال و عظمتش را به ما نشان داده است، ما حتی صدایش را از درون آتش شنیدیم. اکنون می‌دانیم که ممکن است خدا با انسان صحبت کند و او نمیرد. ^۴ولی مطمئناً اگر دوباره با ما سخن بگوید خواهیم مرد. این آتش هولناک، ما را خواهد سوزانید. ^۵چه

اطاعت کرده، به او احترام بگذاریم. اگر چنین کنیم او ما را برکت می‌دهد و زنده نگه می‌دارد، چنانکه تا امروز کرده است.^{۲۵} اگر هر چه را خداوند فرموده است با اطاعت کامل انجام دهیم، او از ما خشنود خواهد شد.»

قوم خاص خدا

(خروج ۳۴: ۱۱-۱۶)

هنگامی که خداوند شما را به سرزمینی که در شرف تصرف هستید، ببرد، این هفت قوم را که همگی از شما بزرگتر و قویترند نابود خواهد ساخت: حیثیها، جرجاشیها، اموریها، کنعانیها، فرزیهها، حویها و بیوسیها.^{۲۶} زمانی که خداوند، خدایتان آنها را به شما تسلیم کند و شما آنها را مغلوب نمایید، باید همه آنها را بکشید. با آنها معاهده‌ای ننیدید و به آنها رحم نکنید، بلکه ایشان را بکلی نابود سازید.^{۲۷} با آنها ازدواج نکنید و نگذارید فرزندانان با پسران و دختران ایشان ازدواج کنند. چون در نتیجه ازدواج با آنها جوانانان به بت‌پرستی کشیده خواهند شد و همین سبب خواهد شد که خشم خداوند نسبت به شما افروخته شود و شما را بکلی نابود سازد.

فریانگه‌های کافران را بشکنید، ستونهایی را که می‌پرستند خرد کنید و مجسمه‌های شرم‌آور را تکه تکه نموده، بت‌هایشان را بسوزانید؛ چون شما قوم مقدسی هستید که به خداوند، خدایتان اختصاص یافته‌اید. او از بین تمام مردم روی زمین شما را انتخاب کرده است تا برگزیدگان او باشید.^{۲۸} شما کوچکترین قوم روی زمین بودید، پس او شما را بسبب اینکه قومی بزرگتر از سایر قوم‌ها بودید برگزید و محبت نکرد، بلکه به این دلیل که شما را دوست داشت و می‌خواست عهد خود را که با پدرانان بسته بود بجا آورد. بهمین دلیل است که او شما را با چنین قدرت و معجزات عجیب و بزرگی از بردگی در مصر رهانید.

برکات اطاعت از خدا

(تنبيه ۲۸: ۱-۱۴)

پس بدانید که تنها خدایی که وجود دارد خداوند، خدایتان است و او همان خدای امینی است که تا

شما می‌دهم باید دایم در فکرتان باشد.^{۲۹} آنها را به فرزندان خود بیاموزید و همیشه درباره آنها صحبت کنید خواه در خانه باشید خواه در بیرون، خواه هنگام خواب باشد خواه اول صبح.^{۳۰} آنها را روی انگشت و پیشانی خود ببندید؛ آنها را بر سر در منازل خود و بر دروازه‌هایتان بنویسید.

^{۳۱} و وقتی که خداوند، خدایتان شما را به سرزمینی که به پدرانان ابراهیم و اسحاق و یعقوب وعده داده است برساند یعنی به شهرهای بزرگ و زیبایی که شما بنا نکرده‌اید و خانه‌هایی پر از چیزهای خوب که شما آنها را تهیه نکرده‌اید، چاه‌هایی که شما نکرده‌اید، تاکستانها و درختان زیتونی که شما ناکاشته‌اید، آنگاه وقتی که خوردید و سیر شدید مواظب باشید خداوند را که شما را از سرزمین بندگی مصر بیرون آورد فراموش نکنید.^{۳۲} از خداوند، خدایتان بترسید، او را عبادت کنید و به نام او قسم بخورید.

^{۳۳} خدایان قوم‌های همسایه را پرستش نکنید؛ زیرا خداوند، خدایتان که در میان شما زندگی می‌کند خدای غیوری است و ممکن است خشم او بر شما افروخته شده، شما را از روی زمین نابود کند.^{۳۴} او را به خشم نیاورید چنانکه در «مسا» این کار را کردید.

^{۳۵} هر کاری را که دستور می‌دهد بدقت اطاعت کنید. آنچه را که خداوند می‌پسندد انجام دهید تا زندگیتان پربرکت شود و به سرزمین حاصلخیزی که خداوند به پدرانان وعده داده، وارد شوید و آن را تصرف کنید و تمام دشمنان را به کمک خداوند بیرون رانید، همانطور که خداوند به شما وعده داده است.

^{۳۶} در سالهای آینده، زمانی که پسرانان از شما پرسند: «منظور از این قوانینی که خداوند، خدایمان به ما داده است چیست؟»^{۳۷} به ایشان بگویید: «ما بردگان فرعون مصر بودیم و خداوند با قدرت عظیمش^{۳۸} و با معجزات بزرگ و بلاهای وحشتناکی که بر مصر و فرعون و تمام افرادش نازل کرد ما را از سرزمین مصر بیرون آورد. ما همه این کارها را با چشمان خود دیدیم.^{۳۹} او ما را از زمین مصر بیرون آورد تا بتواند این سرزمین را که به پدرانمان وعده داده بود به ما بدهد. او به ما امر فرموده است که تمامی این قوانین را

هزاران نسل وعده‌های خود را نگاه داشته پیوسته کسانی را که او را دوست می‌دارند و دستوراتش را اطاعت می‌کنند محبت می‌نماید.^{۱۱} ولی آنانی را که از او نفرت دارند بی‌درنگ مجازات و نابود می‌کند.^{۱۱} بنابراین، تمام این فرمانهایی را که امروز به شما می‌دهم اجرا کنید.

^{۱۲} اگر به این فرمانها توجه کرده، آنها را اطاعت نمایید، خداوند، خدایان عهدی را که از روی رحمت خویش با پدران شما برقرار نمود ادا خواهد کرد.^{۱۳} او شما را دوست خواهد داشت و برکت خواهد داد و از شما قومی بزرگ بوجود خواهد آورد. او شما را بارور نموده، زمین و حیواناتان را برکت خواهد داد تا محصول زیادی از گندم، انگور، زیتون و گله‌های گاو و گوسفند داشته باشید. تمام این برکات را در سرزمینی که به پدرانتان وعده فرمود، به شما خواهد بخشید.^{۱۴} بیشتر از تمامی قوم‌های روی زمین برکت خواهید یافت و هیچکدام از شما و حتی گله‌هایتان نازا نخواهد بود.^{۱۵} خداوند تمام امراضتان را از شما دور نموده، اجازه نخواهد داد به هیچکدام از بیماریهایی که در مصر دیده‌اید دچار شوید. او همه این مرضها را به دشمنانتان خواهد داد.

^{۱۶} تمامی قوم‌هایی را که خداوند، خدایان بدست شما گرفتار می‌سازد نابود کنید. به ایشان رحم نکنید و خدایان ایشان را پرستش ننمایید، و گرنه در دام مهلکی گرفتار خواهید شد.^{۱۷} شاید پیش خودتان فکر کنید: «چگونه می‌توانیم بر این قوم‌هایی که از ما قویترند پیروز شویم؟»^{۱۸} ولی از آنها باک نداشته باشید! کافیست آنچه را خداوند، خدایان با فرعون و سراسر سرزمین مصر کرد به خاطر آورید.^{۱۹} آیا بلاهای وحشتناکی را که خداوند بر سر آنها آورد و شما با چشمان خود آن را دیدید و نیز معجزات بزرگ و قوت و قدرت خداوند را که بدان وسیله شما را از سرزمین مصر بیرون آورد به خاطر دارید؟ پس بدانید که خداوند، خدایان همین قدرت را علیه مردمی که از آنها می‌ترسید به کار خواهد برد.^{۲۰} از این گذشته، خداوند، خدایان زنبورهای سرخ و درشتی خواهد فرستاد تا آن عده از دشمنانتان را نیز که خود را پنهان کرده‌اند، نابود سازد.

^{۲۱} بنابراین از آن قوم‌ها ترسید، زیرا خداوند، خدایان در میان شماست. او خدایی است بزرگ و مهیب.^{۲۲} او بتدریج آنها را بیرون خواهد راند. این کار را بسرعت انجام نخواهد داد، زیرا اگر چنین کند حیوانات وحشی بزودی افزایش یافته، برای شما ایجاد خطر خواهند کرد.^{۲۳} او این کار را بتدریج انجام خواهد داد و شما هم به آن قوم‌ها حمله نموده، آنها را از بین خواهید برد.^{۲۴} او پادشاهان آنها را بدست شما خواهد سپرد و شما نام ایشان را از صفحه روزگار محو خواهید کرد. هیچکس یارای مقاومت در برابر شما را نخواهد داشت.

^{۲۵} بت‌هایشان را بسوزانید و به طلا و نقره‌ای که این بتها از آن ساخته شده‌اند طمع نکنید و آن را برندارید و گرنه گرفتار خواهید شد، زیرا خداوند، خدایان از بتها متنفر است.^{۲۶} بتی را به خانه خود نبرید، چون همان لعنتی که بر آن است بر شما نیز خواهد بود. از بتها نفرت و کراهت داشته باشید، چون لعنت شده‌اند.

خداوند را فراموش نکنید

اگر تمام فرامینی را که امروز به شما می‌دهم اطاعت کنید نه تنها زنده خواهید ماند، بلکه تعدادتان نیز افزایش خواهد یافت و به سرزمینی که خداوند به پدرانتان وعده نموده، خواهید رفت و آن را تصرف خواهید کرد.^۱ به خاطر آورید چگونه خداوند شما را در بیابان چهل سال تمام هدایت کرد و شما را در تنگی قرار داده، آزمایش کرد تا ببیند عکس‌العمل شما چیست و آیا واقعاً از او اطاعت می‌کنید یا نه. آری، او شما را در سختی و گرسنگی نگه داشت و بعد به شما «مَن» را داد تا بخورید، غذایی که شما و پدرانتان قبلاً از آن بی‌اطلاع بودید. او چنین کرد تا به شما بفهماند که زندگی فقط به خوراک نیست، بلکه به اطاعت از کلام خداوند.^۲ در تمام این چهل سال لباس‌هایتان کهنه نشد و پاهایتان تاول نزد.^۳ بنابراین باید بفهمید چنانکه پدر پسر خود را تنبیه می‌کند، خداوند نیز شما را تأدیب نموده است.

^۴ دستورات خداوند، خدایان را اطاعت کنید. از او پیروی نمایید و از وی بترسید.^۵ خداوند، خدایان شما را به سرزمین حاصلخیزی می‌برد، سرزمینی که در

دره‌ها و کوه‌هایش نهرها و رودها و چشمه‌ها جاری است.^۸ آنجا سرزمین گندم و جو، انگور و انجیر، انار و زیتون، و عسل است.^۹ سرزمینی است که در آن آهن مثل ریگ، فراوان است و مس در تپه‌هایش به وفور یافت می‌شود. سرزمینی است که خوراک در آن فراوان است و شما محتاج به چیزی نخواهید بود.^{۱۰} در آنجا خواهید خورد و سیر خواهید شد و خداوند، خدایان را بخاطر سرزمین حاصلخیزی که به شما داده است شکر خواهد کرد.^{۱۱} اما مواظب باشید که در هنگام فراوانی، خداوند، خدایان را فراموش نکنید و از اوامر او که امروز به شما می‌دهم سرپیچی ننمایید.^{۱۲} زیرا وقتی که شکمتان سیر شود و برای سکونت خود خانه‌های خوبی بسازید و گله‌ها و رمه‌هایتان فراوان شوند و طلا و نقره و امواتان زیاد گردد،^{۱۳} همان وقت است که باید مواظب باشید مغرور نشوید و خداوند، خدایان را که شما را از بردگی در مصر بیرون آورد فراموش نکنید.^{۱۴} مواظب باشید خدایی را که شما را در بیابان ترسناک و بزرگ، در آن زمین خشک و بی‌آب و علف که پر از مارهای سمی و عقربها بود، هدایت کرد فراموش نکنید. او از دل صخره به شما آب داد!^{۱۵} او با من^{۱۶} شما را در بیابان سیر کرد، غذایی که پدرانان از آن بی‌اطلاع بودند، و او شما را در تنگی قرار داد و آزمایش کرد تا در آخر به شما برکت دهد.^{۱۷} او چنین کرد تا شما هیچگاه تصور نکنید که با قدرت و توانایی خودتان ثروتمند شدید.^{۱۸} همیشه به خاطر داشته باشید که خداوند، خدایان است که توانایی ثروتمند شدن را به شما می‌دهد. او این کار را می‌کند تا وعده‌ای را که به پدرانان داد، بجا آورد.^{۱۹} ولی اگر خداوند، خدایان را فراموش کنید و بدنبال خدایان دیگر رفته، آنها را پرستش کنید حتما نابود خواهید شد، درست همانطور که خداوند ملت‌های دیگر را که با شما مقابله می‌کنند نابود می‌سازد. اگر از خداوند، خدایان اطاعت نکنید سرنوشت شما نیز چنین خواهد بود.

نافرمانی قوم اسرائیل

۹

ای قوم اسرائیل گوش کنید! امروز باید از رود اردن بگذرید تا سرزمین آنسوی رودخانه را تصرف کنید. قوم‌هایی که در آنجا زندگی می‌کنند بزرگتر و قویتر از شما هستند و شهرهایی حصاردار دارند. آنها غول‌هایی هستند که کسی نمی‌تواند در برابر ایشان ایستادگی کند. آولی بدانید که خداوند، خدایان مثل آتشی سوزاننده پیشاپیش شما در حرکت خواهد بود و آنها را هلاک خواهد کرد. همانطور که خداوند فرموده است شما بزودی بر آنها پیروز شده، آنها را از سرزمین‌شان بیرون خواهید راند.^۱ پس از اینکه خداوند این کار را برایتان کرد، نگویید: «چون ما مردم خوبی هستیم خداوند، ما را به این سرزمین آورده تا آن را تصاحب کنیم.» زیرا خداوند به دلیل شرارت اقوام این سرزمین است که آنها را از آنجا بیرون می‌راند.^۲ خداوند به هیچ وجه بسبب اینکه شما قومی خوب و درستکار هستید این سرزمین را به شما نمی‌دهد، بلکه بسبب شرارت این اقوام و برای وعده‌هایی که به پدرانان ابراهیم و اسحاق و یعقوب داده است این کار را می‌کند.^۳ باز هم تکرار می‌کنم: خداوند، خدایان به این دلیل این سرزمین حاصلخیز را به شما نمی‌دهد که مردم خوبی هستید. شما مردمی سرکش هستید.^۴ فراموش نکنید که از روزی که از مصر بیرون آمدید تا بحال مدام خداوند، خدایان را در بیابان به خشم آوردید و در تمام این مدت علیه او قیام کردید.^۵ او را در کوه حوریب غضبناک ساختید بحدی که خواست شما را ناپود کند.^۶ من به کوه رفته بودم تا عهدی را که خداوند، خدایان با شما بسته بود یعنی همان لوح‌های سنگی که قوانین روی آنها حک شده بود، بگیرم. چهل شبانه روز در آنجا بودم و در تمام این مدت لب به غذا ن‌زدم و حتی یک جرعه آب هم ننوشیدم.^۷ در پایان آن چهل شبانه روز، خداوند آن دو لوح سنگی را که قوانین عهد خود را بر آنها نوشته بود، به من داد. این همان قوانینی بود که او هنگامی که مردم در پای کوه جمع شده بودند از درون آتش اعلام فرموده بود.^۸ او به من امر فرمود که فوراً از کوه پایین بروم، زیرا قومی که من آنها را راهنمایی کرده، از مصر بیرون

که به ایشان وعده داده بود برساند. آنها خواهند گفت که خداوند ایشان را نابود کرد، چون از ایشان بیزار بود و آنها را به بیابان برد تا آنها را بکشد.^۹ ای خداوند، آنها قوم تو و میراث تو هستند که آنها را با قدرت عظیم و دست توانای خود از مصر بیرون آوردی.»

ده فرمان بار دیگر نوشته می‌شود

(خروج ۳۴: ۱-۱۰)

در آن هنگام خداوند به من فرمود: «دو لوح سنگی دیگر مانند لوح‌های قبلی تراش و یک صندوق چوبی برای نگهداری آنها بساز و لوح‌ها را همراه خود نزد من به کوه بیاور. من روی آن لوح‌ها همان فرامینی را که روی لوح‌های اولی بود و تو آنها را شکستی، دوباره خواهم نوشت. آنگاه آنها را در صندوق بگذار.»

^{۱۰} بنابراین من یک صندوق از چوب ااقیا ساخته، دو لوح سنگی مانند لوح‌های اول تراشیدم و لوح‌ها را برداشتم، از کوه بالا رفتم. ^{۱۱} خدا دوباره ده فرمان را روی آنها نوشت و آنها را به من داد. (آنها همان فرامینی بودند که وقتی همگی شما در پایین کوه جمع شده بودید، از درون آتش روی کوه به شما داده بود.)

^{۱۲} آنگاه از کوه پایین آمدم و طبق فرمان خداوند لوح‌ها را در صندوقی که ساخته بودم گذاشتم. آن لوح‌ها تا امروز هم در آنجا قرار دارند.

^{۱۳} سپس قوم اسرائیل از بیروت بنی‌یعقان به موسیره کوچ کردند. در آنجا هارون درگذشت و مدفون گردید و پسرش العازار بجای او به خدمت کاهنی پرداخت. ^{۱۴} آنگاه به جدجوده و از آنجا به یطبات که نهرهای فراوانی داشت، سفر کردند. ^{۱۵} در آنجا بود که خداوند قبیله لای را برای حمل صندوقی که در آن ده فرمان خداوند قرار داشت انتخاب نمود تا در حضور او بایستند و او را خدمت کنند و به نام او برکت دهند، بطوریکه تا امروز هم این کار را انجام می‌دهند. ^{۱۶} (به همین دلیل است که برای قبیله لای مثل قبایل دیگر سهمی در سرزمین موعود در نظر گرفته نشده است، زیرا همچنانکه خداوند به ایشان فرمود او خود میراث ایشان است.)

آورده بودم فاسد شده و خیلی زود از احکام خداوند روی گردان شده، بتی ساخته بودند.

^{۱۳} و ^{۱۴} خداوند به من گفت: «مرا واگذار تا این قوم سرکش را نابود کنم و نامشان را از زیر آسمان محو ساخته، قوم دیگری از تو بوجود آورم، قومی که بزرگتر و قوی‌تر از ایشان باشد.»

^{۱۵} من در حالیکه دو لوح قوانین خداوند را در دست داشتم از کوه که شعله‌های آتش، آن را فرا گرفته بود، پایین آمدم. ^{۱۶} در آنجا چشمم به بت گوساله شکلی افتاد که شما ساخته بودید. چه زود از فرمان خداوند، خدایانان سریچی کرده، نسبت به او گناه ورزیدید! ^{۱۷} من لوح‌ها را به زمین انداختم و در برابر چشماتان آنها را خرد کردم. ^{۱۸} آنگاه به مدت چهل شبانه روز دیگر، در حضور خداوند روی زمین نهادم. نه نانی خوردم و نه آبی نوشیدم؛ زیرا شما برضد خدا گناه کرده، او را به خشم آورده بودید. ^{۱۹} می‌ترسیدم از شدت خشم، شما را نابود کند. ولی یک بار دیگر خداوند خواهش مرا اجابت کرد. ^{۲۰} هارون نیز در خطر بزرگی بود چون خداوند بر او غضبناک شده، می‌خواست او را بکشد، ولی من دعا کردم و خداوند او را بخشید. ^{۲۱} من آن گوساله را که شما از طلا ساخته بودید و مظهر گناه شما بود برداشتم، در آتش انداختم، بعد آن را کوبیدم و بصورت غباری نرم درآورده، به داخل نهری که از دل کوه جاری بود ریختم. ^{۲۲} شما در تبعیره و مسا و قیروت هتاوه نیز خشم خداوند را برافروختید. ^{۲۳} در قادش برنیع وقتی که خداوند به شما گفت به سرزمینی که به شما داده است داخل شوید از او اطاعت ننمودید زیرا باور نکردید که او به شما کمک خواهد کرد. ^{۲۴} آری، از اولین روزی که شما را شناختم، علیه خداوند یاغیگری کرده‌اید. ^{۲۵} پس خداوند خواست شما را هلاک کند، ولی من چهل شبانه روز در برابر او به خاک افتادم ^{۲۶} و التماس کرده، گفتم: «ای خداوند، قوم خود را نابود نکن. آنها میراث تو هستند که با قدرت عظیمت از مصر نجات یافتند. ^{۲۷} خدمتگزاران ابراهیم و اسحاق و یعقوب را به یاد آور و از لجاجت و عصبان و گناه این قوم چشم پوشی کن. ^{۲۸} زیرا اگر آنها را از بین ببری مصریها خواهند گفت که خداوند قادر نبود آنها را به سرزمینی

نچشیده و بزرگی و قدرت مهیبش را ندیده‌اند. ایشان آنجا نبودند تا معجزاتی را که او در مصر علیه فرعون و تمامی سرزمینش انجام داد ببینند. ^۴ آنها ندیده‌اند که خداوند با لشکر مصر و با اسبان و عرابه‌های ایشان چه کرد و چگونه کسانی را که در تعقیب شما بودند در دریای سرخ غرق نموده، هلاک کرد. ^۵ آنها ندیده‌اند در طول سالهایی که شما در بیابان سرگردان بودید، چگونه خداوند بارها از شما مراقبت کرده است تا شما را به اینجا برساند. ^۶ آنها آنجا نبودند وقتی که داتان و ابیرام، پسران الیاب، از نسل رئوبین، مرتکب گناه شدند و زمین دهان باز کرده، جلو چشم تمامی قوم اسرائیل آنها را با خانواده و خیمه و اموالشان بلعید.

^۷ ولی شما با چشمانتان این معجزات عظیم را دیده‌اید. ^۸ پس این فرمانهایی را که امروز به شما می‌دهم با دقت اطاعت کنید تا توانایی آن را داشته باشید که سرزمینی را که بزودی وارد آن می‌شوید تصرف کنید. ^۹ اگر از این اوامر اطاعت کنید در سرزمینی که خداوند به پدرانانتان و به شما که فرزندان ایشان هستند وعده داد، عمر طولانی و خوبی خواهید داشت، در سرزمینی که شیر و عسل در آن جاری است. ^{۱۰} چون سرزمینی که بزودی وارد آن می‌شوید و آن را تصاحب می‌کنید مثل سرزمین مصر که از آنجا آمده‌اید نیست و احتیاجی به آبیاری ندارد. ^{۱۱} سرزمین کوه‌ها و دره‌های پر آب است. ^{۱۲} سرزمینی است که خداوند، خدایان خود از آن مراقبت می‌کند و چشمان او دایم در تمامی سال بر آن دوخته شده است.

^{۱۳} اگر شما تمام فرامین او را که من امروز به شما می‌دهم با دقت اطاعت کنید و اگر خداوند، خدایان را با تمامی دل و جان دوست داشته باشید و او را پرستش کنید ^{۱۴} آنوقت او باز هم باران را به موقع خواهد فرستاد تا غله، شراب تازه و روغن زیتون فراوان داشته باشید. ^{۱۵} او به شما مراتع سرسبز برای چریدن گله‌هایتان خواهد داد و خود نیز غذای کافی خواهید داشت که بخورید و سیر شوید.

^{۱۶} ولی هوشیار باشید که دل‌هایتان از خداوند بزرگ‌ترد تا خدایان دیگر را بپرستید، ^{۱۷} چون اگر چنین کنید خشم خداوند نسبت به شما فروخته شده، آسمانها را خواهد

^{۱۸} چنانکه قبلاً هم گفتم برای دومین بار چهل شبانه روز در حضور خداوند در بالای کوه ماندم و خداوند بار دیگر التماس‌های مرا اجابت فرمود و از نابود کردن شما صرف نظر نمود. ^{۱۹} او به من فرمود: «برخیز و بنی‌اسرائیل را به سرزمینی که به پدرانشان وعده داده‌ام هدایت کن تا به آنجا داخل شده، آن را تصاحب کنند.»

انتظار خدا از قوم اسرائیل

^{۲۰} اکنون ای قوم اسرائیل، خداوند از شما چه می‌خواهد، جز اینکه به سخنان او بدقت گوش کنید و برای خیر و آسایش خود، فرامینی را که امروز به شما می‌دهد اطاعت کنید و او را دوست داشته، با تمامی دل و جان او را پرستش کنید.

^{۲۱} زمین و آسمان از آن خداوند، خدای شماست؛ ^{۲۲} با وجود این، او آنقدر به پدرانانتان علاقمند بود و بحدی ایشان را دوست می‌داشت که شما را که فرزندان آنها هستند انتخاب نمود تا بالاتر از هر ملت دیگری باشید، همچنانکه امروز آشکار است. ^{۲۳} بنابراین دست از سرکشی بردارید و با تمام دل، مطیع خداوند شوید. ^{۲۴} خداوند، خدایان، خدای خدایان و رب الارباب است. او خدایی بزرگ و تواناست، خدای مهیبی که از هیچکس جانبداری نمی‌کند و رشوه نمی‌گیرد. ^{۲۵} به داد بیوه زنان و یتیمان می‌رسد. ^{۲۶} غریبان را دوست می‌دارد و به آنها غذا و لباس می‌دهد. (شما هم باید غریبان را دوست بدارید، زیرا خودتان هم در سرزمین مصر غریب بودید.) ^{۲۷} باید از خداوند، خدایان بترسید و او را پرستش کنید و از او جدا نشوید و فقط به نام او سوگند یاد کنید. ^{۲۸} او فخر شما و خدای شماست، خدایی که معجزات عظیمی برای شما انجام داد و خود شاهد آنها بوده‌اید. ^{۲۹} وقتی که اجداد شما به مصر رفتند فقط هفتاد نفر بودند، ولی اکنون خداوند، خدایان شما را به اندازه ستارگان آسمان افزایش داده است!

خداوند را دوست بدارید و اطاعت کنید

خداوند، خدایان را دوست بدارید و اوامرش را همیشه اطاعت کنید. ^{۱۱} گوش کنید! من با فرزندان شما سخن نمی‌گویم که مزه تثبیه خداوند را

بلوطستان موره هم در آنجا قرار دارد.^{۳۱} شما بزودی از رود اردن عبور کرده، در سرزمینی که خداوند به شما می‌دهد ساکن خواهید شد.^{۳۲} فراموش نکنید که در آنجا باید همه قوانینی را که امروز به شما می‌دهم اطاعت کنید.

مکانی معین جهت عبادت

وقتی به سرزمینی می‌رسید که خداوند،^{۱۲} خدای پدرانان آن را به شما داده است، باید این اوامر را تا وقتی که در آن سرزمین زندگی می‌کنید، اطاعت نمایید.

^۳ در هر جا که بتخانه‌ای می‌بینید، چه در بالای کوه‌ها و تپه‌ها، و چه در زیر درختان، باید آن را نابود کنید.^۳ قربانگاه‌های بت‌پرستان را بشکنید، ستونهایی را که می‌پرستند خرد کنید، مجسمه‌های شرم‌آوران را بسوزانید و بتهای آنها را قطعه قطعه کنید و چیزی باقی نگذارید که شما را به یاد آنها بیندازد.

^۴ مانند بت‌پرستان در هر جا برای خداوند، خدایان قربانی نکنید، بلکه در محلی که خودش در میان قبیله‌های اسرائیل بعنوان عبادتگاه خود انتخاب می‌کند، او را عبادت نمایید.^۳ قربانی‌های سوختنی و سایر قربانی‌ها، عشر دارایی‌تان، هدایای مخصوص، هدایای نذری، هدایای داوطلبانه، و نخست‌زاده‌های گله‌ها و رمه‌هایتان را به آنجا بیاورید.^۷ در آنجا شما و خانواده‌هایتان در حضور خداوند، خدایان خواهید خورد و از دسترنج خود لذت خواهید برد، زیرا او شما را برکت داده است.

^۹ وقتی به سرزمینی که در آنجا خداوند، خدایان به شما صلح و آرامش می‌بخشد رسیدید، دیگر نباید مثل امروز هر جا که خواستید او را عبادت کنید.^{۱۰} زمانی که از رود اردن بگذرید و در آن سرزمین اقامت کنید و خداوند به شما آرامش ببخشد و شما را از دست دشمنان حفظ کند،^{۱۱} آنگاه باید تمام قربانی‌های سوختنی و سایر هدایای خود را که به شما امر کرده‌ام به عبادتگاه او در محلی که خود انتخاب خواهد کرد بیاورید.^{۱۲} در آنجا با پسران و دختران، غلامان و کنیزان خود، در حضور خداوند شادی خواهید کرد. به خاطر داشته باشید که

بست و دیگر باران نخواهد بارید و شما محصولی نخواهید داشت، و بزودی در سرزمین حاصلخیزی که خداوند به شما داده است نابود خواهید شد.^{۱۸} بنابراین، این فرمانها را در دل و جان خود جای دهید. آنها را به دستهای خود و همچنین به پیشانی‌تان ببندید تا همیشه به خاطر داشته باشید که باید آنها را اطاعت کنید.^{۱۹} آنها را به فرزندان خود بیاموزید و همیشه درباره آنها صحبت کنید، خواه در خانه باشید خواه در بیرون، خواه هنگام خواب باشد خواه اول صبح.^{۲۰} آنها را بر سر در منازل خود و بر دروازه‌هایتان بنویسید.^{۲۱} آنگاه تا زمین و آسمان باقی است شما و فرزندانان در سرزمینی که خداوند به پدرانان وعده داد زندگی خواهید کرد.

^{۲۲} اگر با دقت همه دستوراتی را که به شما می‌دهم اطاعت کرده، خداوند، خدایان را دوست بدارید و آنچه را که او می‌خواهد انجام داده، از او جدا نشوید.^{۲۳} آنوقت خداوند همه قوم‌هایی را که با شما مقاومت می‌کنند، هر قدر هم از شما بزرگتر و قویتر باشند، بیرون خواهد کرد و شما زمینهایشان را تسخیر خواهید نمود.^{۲۴} هر جا که قدم بگذارید به شما تعلق خواهد داشت. مرزهایتان از بیابان نگب در جنوب تا لبنان در شمال، و از رود فرات در مشرق تا دریای مدیترانه در مغرب خواهد بود.^{۲۵} هیچکس یارای مقاومت با شما را نخواهد داشت، چون خداوند، خدایان همانطور که قول داده است هر جا که بروید ترس شما را در دل مردمی که با آنها روبرو می‌شوید، خواهد گذاشت.

^{۲۶} من امروز به شما حق انتخاب می‌دهم تا بین برکت و لعنت یکی را انتخاب کنید.^{۲۷} اگر فرامین خداوند، خدایان را که امروز به شما می‌دهم اطاعت کنید برکت خواهید یافت^{۲۸} و اگر از آنها سرپیچی کرده، خدایان قوم‌های دیگر را پرستش کنید، مورد لعنت قرار خواهید گرفت.^{۲۹} وقتی که خداوند، خدایان شما را وارد سرزمینی می‌کند که باید آن را تصرف کنید، از کوه جرزیم برکت و از کوه عیبال، لعنت اعلام خواهد شد.^{۳۰} (جرزیم و عیبال کوه‌هایی هستند در غرب رود اردن، یعنی در سرزمین کنعانی‌هایی که در آنجا در اراضی بیابانی نزدیک جلجال زندگی می‌کنند،

وقف می‌کنید، و هدایایی را که نذر کرده‌اید و قربانی‌های سوختنی خود را به قربانگاه ببرید. اینها را باید فقط بر قربانگاه خداوند، خدایان قربانی کنید. خون را باید روی قربانگاه ریخته، گوشت آن را بخورید.^{۱۸} مواظب باشید آنچه را که به شما امر می‌کنم، اطاعت کنید. اگر آنچه در نظر خداوند، خدایان پسندیده است انجام دهید، همه چیز برای شما و فرزندانان تا به ابد به خیر خواهد بود.^{۱۹} وقتی خداوند، قوم‌های سرزمینی را که در آن زندگی خواهید کرد نابود کند،^{۲۰} در پرستیدن خدایانشان از ایشان پیروی نکنید و گرنه در دام مهلکی گرفتار خواهید شد. سؤال نکنید که این قوما چگونه خدایانشان را می‌پرستند و بعد رفته مثل آنها پرستش کنید.^{۲۱} هرگز نباید چنین اهانتی به خداوند، خدایان بکنید. این قوم‌ها کارهای ناپسندی را که خداوند از آنها نفرت دارد، برای خدایانشان بجا می‌آورند. آنها حتی پسران و دخترانشان را برای خدایانشان می‌سوزانند.^{۲۲} تمام اوامری را که به شما می‌دهم اطاعت کنید. چیزی به آنها نیافزایید و چیزی هم از آنها کم نکنید.

نهی از بت پرستی

۱۳ اگر در میان شما پیشگو یا تعبیرکننده خواب وجود دارد که آینده را پیشگویی می‌کند^{۲۳} و پیشگویی‌هایش نیز درست از آب در می‌آیند، ولی می‌گوید: «بیباید تا خدایان قوم‌های دیگر را بپرستیم.»^{۲۴} به حرف او گوش نکنید؛ چون خداوند بدین ترتیب شما را امتحان می‌کند تا معلوم شود آیا حقیقتاً او را با تمامی دل و جانتان دوست دارید یا نه. فقط از خداوند، خدایان پیروی نمایید، از او اطاعت کنید و اوامرش را بجا آورید، او را پرستش کنید و از او جدا شوید.^{۲۵} آن پیشگو یا تعبیرکننده خواب را که سعی می‌کند شما را گمراه سازد، بکشید، چون قصد داشته شما را بر ضد خداوند، خدایان که شما را از بردگی در مصر بیرون آورد، برانگیزد. با کشتن او شرارت را از میان خود پاک خواهید کرد.^{۲۶} اگر نزدیکترین خویشاوند یا صمیمی‌ترین دوست شما، حتی برادر، پسر، دختر و یا همسران در گوش

لاوی‌های شهرتان را به جشن و شادی خود دعوت کنید، چون ایشان زمینی از خود ندارند.

^{۲۳} قربانی‌های سوختنی خود را نباید در هر جایی که رسیدید قربانی کنید.^{۲۴} آنها را فقط در جایی می‌توانید قربانی کنید که خداوند انتخاب کرده باشد. او در زمینی که به یکی از قبیله‌ها اختصاص یافته است محلی را انتخاب خواهد کرد. تنها آنجاست که می‌توانید قربانی‌ها و هدایای خود را تقدیم کنید.^{۲۵} ولی حیواناتی را که گوشتشان را می‌خورید می‌توانید در هر جا سر ببرید همانطور که غزال و آهو را سر می‌برید. از این گوشت هر قدر میل دارید و هر وقت که خداوند به شما بدهد، بخورید. کسانی که شرعاً نجس باشند نیز می‌توانند آن را بخورند.^{۲۶} تنها چیزی که نباید بخورید خون آن است که باید آن را مثل آب بر زمین بریزید.

^{۲۷} ولی هیچکدام از هدایا را نباید در خانه بخورید، نه عشر غله و شراب تازه و روغن زیتون‌تان و نه نخست‌زاده گله‌ها و رمه‌هایتان و نه چیزی که برای خداوند نذر کرده‌اید و نه هدایای داوطلبانه و نه هدایای مخصوصتان.^{۲۸} همه اینها را باید به قربانگاه بیاورید و همراه فرزندان خود و لایوهای خود که در شهر شما هستند، در آنجا در حضور خداوند، خدایان آن خوراکی‌ها را بخورید. او به شما خواهد گفت که این قربانگاه در کجا باید ساخته شود. در هر کاری که می‌کنید در حضور خداوند، خدایان شادی کنید.^{۲۹} (ضمناً مواظب باشید لایوها را فراموش نکنید.)

^{۲۰-۲۳} هنگامی که خداوند، خدایان طبق وعده خود مرزهایتان را توسعه دهد اگر قربانگاه از شما دور باشد آنگاه می‌توانید گله‌ها و رمه‌هایتان را که خداوند به شما می‌بخشد، در هر وقت و در هر جا که خواستید سر ببرید و بخورید، همانطور که غزال و آهویتان را سر می‌برید و می‌خورید. حتی اشخاصی که شرعاً نجس هستند می‌توانند آنها را بخورند. اما مواظب باشید گوشت را با خونتش که بدان حیات می‌بخشد، نخورید،^{۲۴-۲۵} بلکه خون را مثل آب بر زمین بریزید. اگر چنین کنید، خداوند از شما راضی خواهد شد و زندگی شما و فرزندانان به خیر خواهد بود.^{۲۶-۲۷} آنچه را که به خداوند

حيوانات حلال و حرام گوشت

(لاويان ۱۱: ۴۷-۱)

۳۳ ده گوشت هيچ حيواني را كه من آن را حرام اعلام کرده‌ام نبايد بخوريد. حيواناتي كه مي‌توانيد گوشت آنها را بخوريد از اين قرارند:

گاو، گوسفند، بز، آهو، غزال، گوزن و انواع بز كوهي.

۳۴ هر حيواني را كه سم شكافته دارد و نشخوار مي‌كند مي‌توانيد بخوريد. ۳۵ پس اگر حيواني اين دو خصوصيت را نداشته باشد، نبايد آن را بخوريد. بنا بر اين شتر، خرگوش و گوركن را نبايد بخوريد. اينها نشخوار مي‌كنند، ولي سمهاي شكافته ندارند.

۳۶ خوك را نبايد بخوريد، چون با اينكه سم شكافته دارد نشخوار نمي‌كند. حتي به لاشه چنين حيواناتي نبايد دست بزنيد.

۳۷ از حيواناتي كه در آب زندگي مي‌كنند فقط آنهايي را كه باله و فلس دارند مي‌توانيد بخوريد. ۳۸ تمام جانوران آبرزي ديگر براي شما حرامند.

۳۹ همه پرندگان را مي‌توانيد بخوريد بجز اين پرندگان را:

عقاب، جغد، باز، شاهين، لاشخور، كركس، كلاغ، شترمرغ، مرغ دريايي، لك لك، مرغ ماهيخوار، مرغ سقا، قره قاز، هدهد و خفاش.

۴۰ حشرات بالدار، بجز تعداد معدودي از آنها*، نبايد خورده شوند.

۴۱ حيواني را كه به مرگ طبيعي مرده است نخوريد. آن را به غريبي كه درميان شما باشد بدهيد تا بخورد و يا آن را به بيگانگان بفروشيد؛ ولي خودتان آن را نخوريد، چون نزد خداوند، خدايتان مقدس هستيد.

بزغاله را در شير مادرش نپزيد.

قانون عشريه

۴۲ از تمامي محصولاتتان هر ساله بايد يك دهم را كنار بگذاريد. ۴۳ اين عشريه را بياوريد تا در محلي كه خداوند، خدايتان بعنوان عبادتگاه خود انتخاب خواهد كرد در حضورش بخوريد. اين شامل عشريه‌هاي غله،

* نگاه كنيد به لاويان ۱۱: ۲۰-۲۳.

شما نجوا كند كه بيا برويم و اين خدايان بيگانه را بپرستيم؛ ۴۴ راضي نشويد و به او گوش ندهيد. پيشنهاد ناپسندش را برملا سازيد و بر او رحم نكنيد. ۴۵ او را بكشيد. دست خودتان بايد اولين دستي باشد كه او را سنگسار مي‌كند و بعد دستهاي تمامي قوم اسرائيل. ۴۶ او را سنگسار كنيد تا بميرد، چون قصد داشته است شما را از خداوند، خدايتان كه شما را از مصر يعني سرزمين بردگي بيرون آورد دور كند. ۴۷ آنگاه تمام بني اسرائيل از كردار شرورانه‌اش آگاه شده، از ارتكاب چنين شرارتي در ميان قوم خواهند ترسيد.

۴۸ و ۴۹ هرگاه بشنويد در يكي از شهرهاي اسرائيل مي‌گويند كه گروهی اوباش با پيشنهاد پرستيدن خدايان بيگانه همشهريان خود را گمراه کرده‌اند، اول حقايق را بررسي كنيد و ببينيد آيا آن شايعه حقيقت دارد يا نه. اگرديد حقيقت دارد و چنين عمل زشتي واقعاً در ميان شما در يكي از شهرهايي كه خداوند به شما داده است اتفاق افتاده، ۵۰ بايد بي‌درنگ شهر و كليۀ ساكنانش را كاملاً نابود كنيد و گله‌هايشان را نيز از بين ببريد. ۵۱ سپس بايد تمام غنايم را در ميدان شهر انباشته، بسوزانيد. پس از آن، تمام شهرها بعنوان قرباني سوختني براي خداوند، خدايتان به آتش بكشيد. آن شهر براي هميشه بايد ويرانه بماند و نبايد هرگز دوباره آباد گردد. ۵۲ ذره‌اي از اين غنايم حرام را نگاه نداريد. آنگاه خداوند از غضب خود بر مي‌گردد و شما را مورد لطف و مرحمت خويش قرار داده، همچنانكه به پدرانتان وعده فرمود، تعداد شما را زياد خواهد كرد، ۵۳ بشرطي كه فقط از او و فرمانهاي او كه امروز به شما مي‌دهم اطاعت نموده، آنچه را كه در نظر خداوند پسندیده است بجا آوريد.

نهي از عزاداري به روش بت پرستان

۵۴ شما قوم خداوند هستيد، پس هنگام عزاداري براي مردگان خود، مثل بت پرستان، خود را زخمي نكنيد و موي جلو سرتان را نتراشيد. ۵۵ شما منحصرأ به خداوند، خدايتان تعلق داريد و او شما را از ميان قوم‌هاي روي زمين برگزيده است تا قوم خاص او باشيد.

وقتی به سرزمینی که خداوند به شما می‌دهد وارد شدید، اگر در بین شما اشخاص فقیری باشند نسبت به آنان دست و دل باز باشید،^۸ و هر قدر احتیاج دارند به ایشان قرض بدهید.^۹ این فکر پلید را به خود راه ندهید که سال‌های قرض بزودی فرا می‌رسد و در نتیجه از دادن قرض خودداری کنید؛ زیرا اگر از دادن قرض خودداری کنید و مرد محتاج پیش خداوند ناله کند این عمل برای شما گناه محسوب خواهد شد.^{۱۰} باید آنچه نیاز دارد، از صمیم قلب به او بدهید و خداوند هم بخاطر این امر، شما را در هر کاری برکت خواهد داد.^{۱۱} در میان شما همیشه فقیر وجود خواهد داشت به همین دلیل است که اجرای این فرمان ضروری است. شما باید با سخاوت به آنها قرض بدهید.

رفتار با غلامان

(خروج ۲۱: ۱-۱۱)

^{۱۲} هرگاه غلامی عبرانی بخرید، چه مرد باشد چه زن، باید پس از شش سال خدمت، در سال هفتم او را آزاد نمایید.^{۱۳} او را دست خالی روانه نکنید، بلکه هدیه‌ای از گله و غله و شراب مطابق برکتی که خداوند، خدایان به شما بخشیده است به وی بدهید.^{۱۴} به خاطر بیاورید که در سرزمین مصر برده بودید و خداوند، خدایان شما را نجات داد. به همین دلیل است که امروز این فرمان را به شما می‌دهم.^{۱۵} ولی اگر غلام عبرانی شما نخواهد برود و بگوید شما و خانواده‌تان را دوست دارد و از بودن در خانه شما لذت می‌برد،^{۱۶} آنوقت او را به دم در برده با درفشی گوشش را سوراخ کنید تا از آن پس، همیشه غلام شما باشد. همین کار را با کنیزان خود بکنید.^{۱۷} اما وقتی که برده‌ای را آزاد می‌کنید نباید ناراحت شوید، چون او در طی شش سال برای شما کمتر از نصف دستمزد یک کارگر عادی خرج برداشته است. خداوند، خدایان برای اینکه او را آزاد ساخته‌اید شما را در هر کاری برکت خواهد داد.

نخست‌زاده‌های گاو و گوسفند

شراب تازه، روغن زیتون و نخست‌زاده گله‌ها و رمه‌هایتان می‌باشد. منظور از این کار این است که بیاموزید همیشه خداوند را در زندگی خود احترام کنید.^{۱۸} اگر مکانی که خداوند بعنوان عبادتگاه خود انتخاب می‌کند بقدری دور باشد که براحتی نتوانید عشریه‌های خود را به آنجا حمل کنید،^{۱۹} آنگاه می‌توانید عشریه محصولات و رمه‌هایتان را بفروشید و پولش را به عبادتگاه خداوند ببرید.^{۲۰} وقتی که به آنجا رسیدید با آن پول هر چه خواستید بخرید گاو، گوسفند، شراب یا مشروبات دیگر تا در آنجا در حضور خداوند، خدایان جشن گرفته، با خانواده خود به شادی بپردازید.^{۲۱} در ضمن لای‌های شهرتان را فراموش نکنید، چون آنها مثل شما صاحب ملک و محصول نیستند.

^{۲۲} در آخر هر سه سال باید عشریه تمام محصولات خود را در شهر خود جمع کنید^{۲۳} تا آن را به لای‌ها که در میان شما ملکی ندارند، و همچنین غریبان، بیوه زنان و یتیمان داخل شهرتان بدهید تا بخورند و سیر شوند. آنگاه خداوند، خدایان شما را در کارهایتان برکت خواهد داد.

سال بخشیدن قرضها

در پایان هر هفت سال، باید تمام قرضهای **۱۵** بدهکاران خود را ببخشید.^{۲۴} هر که از برادر یهودی خود طلبی داشته باشد باید آن طلب را لغو نماید. او نباید در صدد پس گرفتن طلبش باشد، زیرا خود خداوند این طلب را لغو نموده است.^{۲۵} ولی این قانون شامل حال بدهکاران غیریهودی نمی‌شود.^{۲۶} اگر بدقت، تمام دستورات خداوند، خدایان را اطاعت کنید و اوامری را که امروز به شما می‌دهم اجرا نمایید در سرزمینی که خداوند به شما می‌دهد برکت زیادی خواهید یافت، بطوریکه فقیری در میانتان نخواهد بود. او چنانکه وعده داده است برکتان خواهد داد، بطوری که به قوم‌های زیادی پول قرض خواهید داد، ولی هرگز احتیاجی به قرض گرفتن نخواهید داشت. بر قوم‌های بسیاری حکومت خواهید کرد، ولی آنان بر شما حکومت نخواهند نمود.

بخورید. در روز هفتم، تمام قوم برای عبادت خداوند، خدای خود جمع شوند و هیچ کار دیگری نکنند.

عید هفته‌ها

(خروج ۳۴: ۲۲؛ لاویان ۲۳: ۱۵-۲۱)

هفت هفته پس از شروع فصل درو،^۹ عید دیگری در حضور خداوند، خدایتان خواهید داشت که عید هفته‌ها خوانده می‌شود. در این عید هدیه داوطلبانه‌ای مطابق برکتی که خداوند به شما داده است نزد خداوند بیاورید.^{۱۰} در این عید با پسران و دختران، غلامان و کنیزان خود در حضور خداوند شادی کنید. فراموش نکنید که لاوی‌ها، غریبان، بیوه‌زنان و یتیمان شهرتان را هم دعوت کنید تا در مراسم جشن، در مکانی که خداوند بعنوان عبادتگاه خود تعیین می‌کند، شرکت کنند.^{۱۱} این دستور را حتماً بجا آورید، زیرا خود شما هم در مصر برده بوده‌اید.

عید سایبانها

(لاویان ۲۳: ۳۳-۴۳)

^{۱۲} جشن دیگر، عید سایبانهاست که باید به مدت هفت روز در پایان فصل درو، پس از اینکه خرمن خود را کوبیدید و آب انگورتان را گرفتید، برگزار کنید.^{۱۳} در این عید به اتفاق پسران و دختران، غلامان و کنیزان خود شادی نمایید. فراموش نکنید که لاویها، غریبان، یتیمان و بیوه زنان شهر خود را نیز دعوت کنید.

^{۱۴} این عید را در محلی که خداوند تعیین خواهد کرد به مدت هفت روز برای او برگزار کنید. در این عید شادی کنید، زیرا خداوند محصول و دسترنج شما را برکت داده است.

^{۱۵} مردان اسرائیلی باید سه بار در سال در حضور خداوند، خدایشان در محلی که خداوند تعیین خواهد کرد بخاطر این سه عید حاضر شوند: عید پسخ، عید هفته‌ها و عید سایبانها. در هر کدام از این اعیاد، هدایایی برای خداوند بیاورید.^{۱۶} تا جایی که از دستتان برمی‌آید به نسبت برکتی که از خداوند یافته‌اید هدیه بدهید.

^۹ باید تمامی نخست‌زاده‌های نرگله‌ها و رمه‌هایتان را برای خداوند وقف کنید. از نخست‌زاده‌های رمه‌هایتان جهت کار کردن در مزارع خود استفاده نکنید و پشم نخست‌زاده‌های گوسفندان را قیچی نکنید.^{۱۰} بجای آن، شما و خانواده‌تان هر ساله گوشت این حیوانات را درحضور خداوند، خدایتان در محلی که او تعیین خواهد کرد بخورید.^{۱۱} ولی اگر حیوان نخست‌زاده معیوب باشد، مثلاً چلاق یا کور بوده، یا عیب دیگری داشته باشد، نباید آن را برای خداوند، خدایتان قربانی کنید.^{۱۲} در عوض از آن برای خوراک خانواده خود در منزل استفاده کنید. هر کس می‌تواند آن را بخورد، حتی اگر شرعاً نجس باشد، درست همانطور که غزال یا آهو را می‌خورد؛^{۱۳} ولی خون آن را نخورید، بلکه آن را مثل آب بر زمین بریزید.

عید پسخ

(خروج ۱۲: ۱-۲۰)

۱۶

همیشه به یاد داشته باشید که در ماه ایبب، مراسم عید پسخ را به احترام خداوند، خدایتان بجا آورید، چون در این ماه بود که او شما را شبانه، از سرزمین مصر بیرون آورد. برای عید پسخ، شما باید یک بره یا یک گاو در محلی که خداوند، خدایتان بعنوان عبادتگاه خود برمی‌گزیند، برای او قربانی کنید. گوشت قربانی را با نان خمیرمایه‌دار نخورید. هفت روز نان بدون خمیرمایه بخورید. این نان، یادگار سختیهای شما در مصر و نیز یادگار روزی است که با عجله از مصر خارج شدید. این روز را در تمام عمر خود به خاطر داشته باشید. مدت هفت روز اثری از خمیرمایه در خانه شما نباشد و از گوشت قربانی پسخ تا صبح روز بعد چیزی باقی نماند.

^{۱۷} قربانی پسخ را فقط باید در مکانی که خداوند، خدایتان بعنوان عبادتگاه تعیین می‌کند، ذبح نمایید و نه در جای دیگری از سرزمینی که او به شما می‌دهد. قربانی پسخ را هنگام غروب سربرید، زیرا هنگامی که از مصر خارج شدید، غروب بود. گوشت قربانی را در همانجا بپزید و بخورید و صبح روز بعد، راهی خانه‌هایتان بشوید.^{۱۸} تمام شش روز بعد را هم نان فطیر

در این مورد قضاوت کنند.^{۱۱} هر چه آنها بگویند باید بدون چون و چرا اجرا گردد. مواظب باشید که از حکم و دستورات ایشان سرپیچی نکنید.^{۱۲} اگر محکوم از قبول حکم قاضی یا کاهن که خادم خداوند است، خودداری کند مجازات او مرگ است. اسرائیل را باید از وجود چنین گناهکارانی پاک نمود.^{۱۳} آنگاه همه مردم از این مجازات با خبر شده، خواهند ترسید و جرأت نخواهند کرد با رأی دادگاه مخالفت کنند.

پادشاه

^{۱۴} هرگاه در سرزمینی که خداوند آن را به شما خواهد داد، ساکن شده، به این فکر بیفتید که «ما هم باید مثل قوم‌های دیگری که اطراف ما هستند یک پادشاه داشته باشیم»،^{۱۵} باید مردی را به پادشاهی برگزینید که خداوند، خدایتان انتخاب می‌کند. او باید اسرائیلی باشد و نه خارجی.^{۱۶} او نباید به فکر جمع کردن اسب باشد و افرادش را به مصر بفرستد تا از آنجا برایش اسب بیاورند، چون خداوند به شما گفته است: «هرگز بار دیگر به مصر بازنگردید.»^{۱۷} او نباید زنان زیادی برای خود بگیرد مبدا دلش از خداوند دور شود؛ همچنین نباید برای خود ثروت ببندوزد.

^{۱۸} وقتی او بر تخت پادشاهی نشست، باید نسخه‌ای از قوانین خدا را که بوسیله کاهنان لاوی نگهداری می‌شود، تهیه کند.^{۱۹} او باید این رونوشت قوانین را نزد خود نگهدارد و در تمام روزهای عمرش آن را مطالعه کند تا یاد بگیرد خداوند، خدایش را احترام کند و دستورات و قوانین او را اطاعت نماید.^{۲۰} این کار او باعث خواهد شد خود را از دیگران برتر نداند و از هیچ یک از اوامر خداوند انحراف نرزد. بدین ترتیب سلطنت او طولانی خواهد بود و پس از او نیز پسرانش، نسل‌های زیادی بر اسرائیل سلطنت خواهند کرد.

سهم کاهنان و لاویان

کاهنان و سایر افراد قبیله لاوی نباید در ^{۱۸} اسرائیل ملکی داشته باشند. بنابراین شما باید با آوردن قربانی‌ها و هدایا به قربانگاه خداوند، زندگی

قضات

^{۱۸} برای هر یک از قبایل خود در شهرهایی که خداوند، خدایتان به شما می‌دهد قضات و رهبرانی تعیین کنید تا ایشان مردم را عادلانه داوری کنند.^{۱۹} هنگام داوری از کسی طرفداری نکنید، عدالت را زیر پا نگذارید و رشوه نگیرید، چون رشوه حتی چشمان عادلان را کور می‌کند و راستگویان را به دروغ‌گویی وا می‌دارد.^{۲۰} عدل و انصاف را همیشه بجا آورید تا بتوانید زنده مانده، سرزمینی را که خداوند، خدایتان به شما می‌بخشد تصرف نمایید.

بت پرستی

^{۲۱} هرگز مجسمه‌های شرم‌آور بت‌پرستان را در کنار قربانگاه خداوند، خدایتان نسازید^{۲۲} و ستونهای آنها را برپا نکنید، چون خداوند از این بتها بیزار است.

۱۷

هرگز گاو یا گوسفند مریض و معیوب، برای خداوند، خدایتان قربانی نکنید. خداوند از این کار متنفر است.

^{۲۳} اگر بشنوید مرد یا زنی در یکی از شهرهای سرزمینتان از عهد خدا تخلف نموده، بت یا خورشید و ماه و ستارگان را که من پرستش آنها را اکیداً قدغن کرده‌ام عبادت می‌کند،^{۲۴} اول خوب تحقیق کنید و بعد که معلوم شد چنین گناهی در اسرائیل بوقوع پیوسته است،^{۲۵} آنگاه آن مرد یا زن را به بیرون شهر ببرید و سنگسارش کنید تا بمیرد.^{۲۶} ولی هرگز شخصی را بنا به شهادت یک گواه به قتل نرسانید؛ حداقل باید دو یا سه شاهد وجود داشته باشند.^{۲۷} اول، شاهدان باید سنگها را پرتاب کنند و سپس تمام مردم. به این طریق، این شرارت را از میان خودپاک خواهید ساخت.

دادگاه

^{۲۸} اگر واقعه‌ای در میان شما اتفاق بیفتد که قضاوت راجع به آن برای شما سخت باشد چه قتل باشد، چه ضرب و جرح، و چه دعوا، در اینصورت باید آن مرافعه را به محلی که خداوند، خدایتان تعیین می‌کند^{۲۹} نزد کاهنان نسل لاوی و قاضی وقت ببرید تا ایشان

و آن آتش هولناک را در بالای کوه نبینید، چون می‌ترسیدید بمیرید.^{۱۷} پس خداوند به من فرمود: «درخواست آنها بچاست.^{۱۸} من از میان آنها پیامبری مانند تو برای ایشان خواهم فرستاد. به او خواهم گفت که چه بگوید و او سخنگوی من نزد مردم خواهد بود.^{۱۹} فردی که به او گوش ندهد و به پیامش که از جانب من است توجه نکند، او را مجازات خواهم کرد.^{۲۰} هر پیامبری که به دروغ ادعا کند پیامش از جانب من است، خواهد مرد و هر پیامبری که ادعا کند پیامش از جانب خدایان دیگر است باید کشته شود.»

^{۲۱} اگر دودل هستید که پیامی از جانب خداوند است یا نه،^{۲۲} راه فهمیدنش این است: اگر چیزی که او می‌گوید اتفاق نیفتد، پیام او از جانب خداوند نبوده بلکه ساخته و پرداخته خودش است؛ پس، از او نترسید.

شهرهای پناهگاه

(اعداد ۳۵: ۹-۲۸؛ یوشع ۲۰: ۱-۹)

۱۹ هنگامی که خداوند، خدایان قوم‌هایی را که باید سرزمینشان را بگیرد، نابود کند و شما در شهرها و خانه‌هایشان ساکن شوید،^{۲۰} آنگاه باید سه شهر بعنوان پناهگاه تعیین کنید تا اگر کسی تصادفاً شخصی را بکشد، بتواند به آنجا فرار کرده، در امان باشد. کشورتان را به سه منطقه تقسیم کنید بطوری که هر کدام از این سه شهر در یکی از آن سه منطقه واقع گردد. جاده‌هایی را که به این شهرها می‌روند خوب نگه دارید.

اگر کسی تصادفاً مرتکب قتل شود می‌تواند به یکی از این شهرها فرار کرده، در آنجا پناه گیرد. مثلاً اگر مردی با همسایه خود برای بریدن هیزم به جنگل برود و سر تبر از دسته‌اش جدا شده، باعث قتل همسایه‌اش گردد، آن مرد می‌تواند به یکی از این شهرها گریخته، در امان باشد.^{۲۱} بدین ترتیب مدعی خون مقتول نمی‌تواند او را بکشد. این شهرها باید پراکنده باشند تا همه بتوانند به آن دسترسی داشته باشند و گر نه مدعی عصبانی، ممکن است قاتل بی‌گناه را بکشد.

اگر خداوند طبق وعده‌ای که به پدران شما داده است مرزهای سرزمینتان را وسیعتر کند و تمام سرزمینی را که

ایشان را تأمین کنید، کاهنان و لاویان نباید ملکی داشته باشند، زیرا همانطور که خداوند وعده داده، خود او میراث ایشان است.^{۲۲} شانه، دو بناگوش و شکمبه هر گاو و گوسفندی را که برای قربانی می‌آورید به کاهنان بدهید.^{۲۳} علاوه بر اینها، نوبر محصول خود یعنی نوبر غلات، شراب تازه، روغن زیتون و همچنین پشم گوسفندان خود را نیز به ایشان بدهید؛^{۲۴} زیرا خداوند، خدایان قبیله لاوی را از بین تمام قبیله‌ها انتخاب کرده است تا نسل اندر نسل خداوند را خدمت کنند.

^{۲۵} هر فرد لاوی، در هر گوشه‌ای از سرزمین اسرائیل که باشد این حق را دارد که هر وقت بخواهد به مکانی که خداوند بعنوان عبادتگاه خود تعیین می‌کند آمده، به نام خداوند خدمت کند، درست مانند دیگر برادران لاوی خود که بطور مداوم در آنجا خدمت می‌کنند.^{۲۶} از قربانی‌ها و هدایایی که به لاویان داده می‌شود به او نیز باید سهمی تعلق گیرد، چه محتاج باشد و چه نباشد.

آداب و رسوم نفرت‌انگیز بت پرستان

وقتی وارد سرزمین موعود شدید، مواظب باشید که از آداب و رسوم نفرت‌انگیز قوم‌هایی که در آنجا زندگی می‌کنند پیروی نکنید.^۱ مثل آنها بچه‌های خود را روی آتش قربانگاه قربانی نکنید. هیچ یک از شما نباید به جادوگری بپردازد یا غیبگویی و رمالی و فالگیری کند و یا ارواح مردگان را احضار نماید.^۲ خداوند از تمام کسانی که دست به چنین کارها می‌زنند متنفر است. بخاطر انجام همین کارهاست که خداوند، خدایان این قوم‌ها را ریشه‌کن می‌کند.^۳ شما باید در حضور خداوند، خدایان پاک و بی‌عیب باشید.

وعده ظهور پیامبر

۴ قوم‌هایی که شما سرزمینشان را تصرف می‌کنید به غیبگویان و فالگیران گوش می‌دهند، ولی خداوند، خدایان به شما اجازه نمی‌دهد چنین کنید.^۵ او از میان قوم اسرائیل پیامبری مانند من برای شما خواهد فرستاد و شما باید به او گوش دهید و از او اطاعت کنید.^۶ روزی که در دامنه کوه حوریب جمع شده بودید از خداوند خواستید که صدای مهیب او را بار دیگر نشنوید

قوانین جنگ

۲۰ زمانی که به جنگ می‌روید و در برابر خود لشکری نیرومندتر از خود با اسبها و عرابه‌های جنگی زیاد می‌بینید، وحشت نکنید. خداوند، خدایان با شماس، همان خدایی که شما را از مصر بیرون آورد. قبل از شروع جنگ، کاهنی در برابر لشکر اسرائیل بایستد و بگوید: «ای مردان اسرائیلی به من گوش کنید! امروز که به جنگ می‌روید از دشمن نترسید و جرأت خود را از دست ندهید؛ چون خداوند، خدایان همراه شماست. او برای شما با دشمنانتان می‌جنگد و به شما پیروزی می‌بخشد.»

۲۱ آنگاه سرداران سپاه باید سربازان را خطاب کرده، چنین بگویند: «آیا در اینجا کسی هست که به تازگی خانه‌ای ساخته، ولی هنوز از آن استفاده نکرده باشد؟ اگر چنین کسی هست به خانه برگردد، چون ممکن است در این جنگ کشته شود و شخص دیگری از آن نخورده باشد؟ اگر چنین کسی هست به خانه بازگردد، چون ممکن است در این جنگ کشته شود و شخص دیگری میوه آن را بخورد. آیا کسی به تازگی دختری را نامزد کرده است؟ اگر چنین کسی هست به خانه خود بازگردد و با نامزدش ازدواج کند، چون ممکن است در این جنگ بمیرد و شخص دیگری نامزد او را به زنی بگیرد.» سپس سرداران بگویند: «آیا در اینجا کسی هست که می‌ترسد؟ اگر چنین کسی هست به خانه بازگردد تا روحیه دیگران را تضعیف نکند.» پس از نطق سرداران، فرماندهانی برای سپاه تعیین شوند.

۲۲ هنگامی که به شهری نزدیک می‌شوید تا با آن بجنگید، نخست به مردم آنجا فرصت دهید خود را تسلیم کنند. اگر آنها دروازه‌های شهر را به روی شما باز کردند، وارد شهر بشوید و مردم آنجا را اسیر کرده، به خدمت خود بگیرید؛ ولی اگر تسلیم نشدند، شهر را محاصره کنید. هنگامی که خداوند، خدایان آن شهر را به شما داد، همه مردان آن را از بین ببرید؛ ولی زن‌ها و بچه‌ها، گاوها و گوسفندها، و هر چه را

وعده داده است، به شما ببخشد^۱ (البته چنین کاری بستگی دارد به اینکه از کلیه فرمانهایی که امروز به شما می‌دهم اطاعت نموده خداوند، خدایان را دوست بدانید و دائماً در راه او گام بردارید) در اینصورت باید سه شهر پناهگاه دیگر نیز داشته باشید.^۲ چنین عمل کنید تا در سرزمینی که خداوند به شما می‌دهد اشخاص بی‌گناه کشته نشوند و خون کسی به گردن شما نباشد.

۲۳ ولی اگر کسی از همسایه خود نفرت داشته باشد و با قصد قبلی او را بکشد و سپس به یکی از شهرهای پناهگاه فرار نماید،^۲ آنگاه ریش سفیدان شهر باید دنبال او فرستاده، او را بازگردانند و تحویل مدعی خون مقتول بدهند تا او را بکشد.^۳ به او رحم نکنید! اسرائیل را از خون بی‌گناه پاک کنید تا در همه کارهایتان کامیاب باشید.

مرزهای ملک همسایه

۲۴ هنگامی که وارد سرزمینی شدید که خداوند، خدایان به شما می‌دهد، مواظب باشید مرزهای ملک همسایه‌تان را که از قدیم تعیین شده است به نفع خود تغییر ندهید.

شهادت در دادگاه

۲۵ هرگز کسی را بر اساس شهادت یک نفر محکوم نکنید. حداقل دو یا سه شاهد باید وجود داشته باشند.^۴ اگر کسی شهادت دروغ بدهد و ادعا کند که شخصی را هنگام ارتکاب جرمی دیده است،^۵ هر دو نفر باید به نزد کاهنان و قضاتی که در آن موقع در حضور خداوند مشغول خدمتند، آورده شوند.^۶ قضات باید این امر را بدقت تحقیق کنند. اگر معلوم شد که شاهد دروغ می‌گوید،^۷ مجازاتش باید همان باشد که او فکر می‌کرد مرد دیگر به آن محکوم می‌شد. به این طریق شرارت را از میان خود پاک خواهید کرد.^۸ بعد از آن، کسانی که این خبر را بشنوند از دروغ گفتن در جایگاه شهود خواهند ترسید.^۹ به شاهد دروغگو نباید رحم کنید. حکم شما در اینگونه موارد باید چنین باشد: جان در برابر جان، چشم در برابر چشم، دندان در برابر دندان، دست در برابر دست و پا در برابر پا.

قتل مردی بی‌گناه متهم نکن. گناه خون این مرد را بر ما نگیر.»^۹ به این طریق با پیروی از دستورات خداوند، شما این گناه را از بین خود دور خواهید ساخت.

ازدواج با دختر اسیر

^{۱۰} زمانی که به جنگ می‌روید و خداوند، خدایان دشمنان شما را بدست شما تسلیم می‌کند و شما آنها را به اسارت خود در می‌آورید،^{۱۱} چنانچه در میان اسیران، دختر زیبایی را ببینید و عاشق او بشوید، می‌توانید او را به زنی بگیرید.^{۱۲} او را به خانه خود بیاورید و بگذارید موهای سرش را کوتاه کند، ناخنهایش را بگیرد^{۱۳} و لباسهایش را که هنگام اسیر شدن پوشیده بود عوض کند. سپس یک ماه تمام در خانه شما در عزای پدر و مادرش بنشیند. بعد از آن، می‌توانید او را به زنی اختیار کنید.^{۱۴} بعد اگر از او راضی نبودید، نباید او را بفروشید یا مثل برده با او رفتار کنید، زیرا او را به زنی گرفته‌اید؛ پس، بگذارید هر جا می‌خواهد برود.

حق نخست‌زادگی

^{۱۵} اگر مردی دو همسر داشته باشد، و از هر دو صاحب پسر شود و پسر بزرگترش فرزند همسر مورد علاقه‌اش نباشد،^{۱۶} حق ندارد ارث بیشتری به پسر کوچکترش یعنی پسر زنی که وی او را دوست دارد بدهد.^{۱۷} او باید دو سهم به پسر بزرگترش که نخستین نشانه قدرتش بوده و حق نخست‌زادگی به او می‌رسد بدهد، ولو اینکه وی پسر همسر مورد علاقه‌اش نباشد.

پسر سرکش

^{۱۸} اگر مردی پسر لجوج و سرکشی داشته باشد که با وجود تنبیهات مکرر والدین، از ایشان اطاعت نکند،^{۱۹} در اینصورت باید پدر و مادرش او را نزد ریش سفیدان شهر ببرند^{۲۰} و بگویند: «این پسر ما لجوج و سرکش است، حرف ما را گوش نمی‌کند و به ولخرجی و میگساری می‌پردازد.»^{۲۱} آنگاه اهالی شهر او را سنگسار کنند تا بمیرد. به این طریق، شرارت را از میان خود دور خواهید کرد و همه جوانان اسرائیل این واقعه را شنیده، خواهند ترسید.

که در شهر باشد می‌توانید برای خود نگه‌دارید. تمام غنایمی را که از دشمن بدست می‌آورید مال شماست. خداوند آنها را به شما داده است.^{۱۵} این دستورات فقط شامل شهرهای دور دست می‌باشد و نه شهرهایی که در خود سرزمین موعود هستند.

^{۱۶} در شهرهای داخل مرزهای سرزمین موعود، هیچکس را نباید زنده بگذارید. هر موجود زنده‌ای را از بین ببرید.^{۱۷} حیثیها، اموریها، کنعانیها، فرزیهها، حویها و ییوسیها را بکلی نابود کنید. این حکمی است که خداوند، خدایان داده است.^{۱۸} منظور از این فرمان آن است که نگذارد مردم این سرزمین، شما را فریب داده، در دام بت‌پرستی و آداب و رسوم قبیح خود گرفتار سازند و شما را وادارند گناه بزرگی نسبت به خداوند، خدایان مرتکب شوید.

^{۱۹} زمانی که شهری را برای مدت طولانی محاصره می‌کنید، درختان میوه را از بین نبرید. از میوه آنها بخورید، ولی درختان را قطع نکنید. درختان، دشمنان شما نیستند! اما درختان دیگر را می‌توانید قطع کنید و از آنها برای محاصره شهر استفاده کنید.

طلب آموزش برای قتلی که قاتلش معلوم نیست

^{۲۱} در سرزمین موعود، هرگاه جسد مقتولی که قاتلش معلوم نیست در صحرا پیدا شود،^{۲۲} آنگاه ریش سفیدان و قضات با اندازه‌گیری فاصله جسد تا شهرهای اطراف، نزدیکترین شهر را تعیین کنند. ریش سفیدان آن شهر، باید گوساله‌ای را که تا بحال بر آن یوغ بسته نشده بگیرند^{۲۳} و آن را به دره‌ای ببرند که در آن آب جاری باشد، ولی زمینش هرگز شخم نخورده و کشت نشده باشد، و در آنجا گردن گوساله را بشکنند.^{۲۴} آنگاه کاهنان نیز نزدیک بیایند، زیرا خداوند، خدای شما ایشان را انتخاب کرده است تا در حضور او خدمت کنند و به نام خداوند برکت دهند و در مرافعه‌ها و مجازاتها تصمیم بگیرند.^{۲۵} سپس ریش سفیدان آن شهر، دستهای خود را روی آن گوساله بشویند^{۲۶} و بگویند: «دستهای ما این خون را نریخته و چشمان ما هم آن را ندیده است.»^{۲۷} ای خداوند، قوم خود، اسرائیل را که نجات داده‌ای ببخش و آنها را به

^{۱۱}لباسی را که از دو نوع نخ، مثلاً پشم و کتان بافته شده است نپوشید.

^{۱۲}در چهارگوشهٔ ردای خود باید منگوله بدوزید.

قوانین مربوط به ازدواج

^{۱۳}اگر مردی با دختری ازدواج کند و پس از همبستر شدن با او، وی را متهم کند که قبل از ازدواج با مرد دیگری روابط جنسی داشته است و بگوید: «وقتی با او ازدواج کردم باکره نبود.»^{۱۴} آنوقت پدر و مادر دختر باید مدرک بکارت او را نزد ریش سفیدان شهر بیاورند.

^{۱۵}پدرش باید به آنها بگوید: «من دخترم را به این مرد دادم تا همسر او باشد، ولی این مرد او را نمی‌خواهد»^{۱۶} و به او تهمت زده، ادعا می‌کند که دخترم هنگام ازدواج باکره نبوده است. اما این مدرک ثابت می‌کند که او باکره بوده است.^{۱۷} سپس باید پارچه را جلو ریش سفیدان پهن کنند. ریش سفیدان باید آن مرد را شلاق بزنند و محکوم به پرداخت^{۱۸} جریمه‌ای معادل صد مثقال نقره بکنند، چون به دروغ، یک باکرهٔ اسرائیلی را متهم ساخته است. این جریمه باید به پدر دختر پرداخت شود. آن زن، همسر وی باقی خواهد ماند و مرد هرگز نباید او را طلاق بدهد.^{۱۹} ولی اگر اتهامات مرد حقیقت داشته و آن زن هنگام ازدواج باکره نبوده است،^{۲۰} ریش سفیدان، دختر را به درخانهٔ پدرش ببرند و مردان شهر او را سنگسار کنند تا بمیرد، چون او در اسرائیل عمل قبیحی انجام داده است و در زمانی که در خانهٔ پدرش زندگی می‌کرد، زنا کرده است. چنین شرارتی باید از میان شما پاک گردد.

^{۲۱}اگر مردی در حال ارتکاب زنا با زن شوهرداری دیده شود، هم آن مرد و هم آن زن باید کشته شوند. به این ترتیب، شرارت از اسرائیل پاک خواهد شد.^{۲۲} اگر دختری که نامزد شده است در داخل دیوارهای شهر توسط مردی اغوا گردد، باید هم دختر و هم مرد را از دروازهٔ شهر بیرون برده، سنگسار کنند تا بمیرند. دختر را بخاطر اینکه فریاد زده و کمک نخواست است و مرد را بجهت اینکه نامزد مرد دیگری را بی‌حرمت کرده است. چنین شرارتی باید از میان شما پاک شود.^{۲۳} ولی اگر چنین عملی خارج از شهر اتفاق بیافتد تنها مرد باید کشته شود، چون دختر گناهی که مستحق

قوانین گوناگون

^{۲۴}اگر مردی مرتکب جرمی شده باشد که جزای آن مرگ است و پس از اعدام، جسد او را به درختی بیاویزند،^{۲۵} جسد او نباید در طول شب روی درخت بماند. باید همان روز او را دفن کنید، زیرا کسی که بر دار آویخته شده باشد ملعون خداست. پس بدن او را دفن کنید تا سرزمینی که خداوند، خدایتان به شما داده است آلوده نشود.

۲۲

اگر گاو یا گوسفند کسی را سرگردان دیدید، وانمود نکنید که آن را ندیده‌اید، بلکه آن را به نزد صاحبش برگردانید. اگر صاحبش نزدیک شما زندگی نمی‌کند و یا او را نمی‌شناسید، آن را به مزرعهٔ خود ببرید و در آنجا نگهدارید تا زمانی که صاحبش بدنبال آن بیاید. آنگاه آن را به صاحبش بدهید. این قانون شامل الاغ، لباس یا هر چیز دیگری که پیدا می‌کنید نیز می‌شود.

اگر کسی را دیدید که سعی می‌کند گاو یا الاغی را که زیر بار خوابیده است روی پاهایش بلند کند، رویتان را برنگردانید، بلکه به کمکش بشتابید.

زن نباید لباس مردانه بپوشد و مرد نباید لباس زنانه به تن کند. این کار در نظر خداوند، خدایتان نفرت‌انگیز است.

^{۲۶}اگر آشیانهٔ پرنده‌ای را روی زمین افتاده ببینید و یا آشیانه‌ای را روی درختی ببینید که پرنده با جوجه‌ها یا تخم‌هایش در داخل آن نشسته است، مادر و جوجه‌هایش را با هم برندارید؛^{۲۷} مادر را رها کنید بروید و فقط جوجه‌هایش را بردارید. اگر چنین کنید زندگی‌تان پربرکت و طولانی خواهد بود.

^{۲۸}وقتی خانهٔ تازه‌ای می‌سازید، باید دیوار کوتاهی دورتادور پشت بام بکشید تا از افتادن اشخاص جلوگیری کرده، مسئول مرگ کسی نشوید.

^{۲۹}در تاکستان خود بذر دیگری نکارید. اگر کاشتید، هم محصول بذر کاشته شده و هم انگورها تلف خواهد شد.

^{۳۰}با گاو و الاغی که بهم یراق شده‌اند شخم نکنید.

^{۳۳} هرکس باید در بین ابزار خود وسیله‌ای برای کندن زمین داشته باشد و بعد از هر بار قضای حاجت، با آن گودالی حفر کند و مدفوعش را بپوشاند.^{۳۴} اردوگاه باید پاک باشد، چون خداوند در میان شما قدم می‌زند تا شما را محافظت فرماید و دشمنان را مغلوب شما سازد. اگر او چیز ناپسندی ببیند، ممکن است روی خود را از شما برگرداند.

قوانین گوناگون

^{۳۵} اگر برده‌ای از نزد اربابش فرار کند نباید او را مجبور کنید که برگردد.^{۳۶} بگذارید در هر شهری که مایل است در میان شما زندگی کند و بر او ظلم نکنید.

^{۳۷} از دختران اسرائیلی کسی نباید فاحشه شود و از پسران اسرائیلی کسی نباید لواط شود.^{۳۸} هیچگونه هدیه‌ای را که از درآمد یک فاحشه یا یک لواط تهیه شده باشد به خانه خداوند نیاورید، چون هر دو در نظر خداوند نفرت‌انگیز هستند.

^{۳۹} وقتی به برادر اسرائیلی خود پول، غذا یا هر چیز دیگری قرض می‌دهید، از او بهره نگیرید.^{۴۰} از یک غریبه می‌توانید بهره بگیرید، ولی نه از یک اسرائیلی. اگر این قانون را رعایت کنید خداوند، خدایتان زمانی که وارد سرزمین موعود شوید به شما برکت خواهد داد.

^{۴۱} هنگامی که برای خداوند نذر می‌کنید نباید در وفای آن تأخیر کنید، چون خداوند می‌خواهد نذرهای خود را بموقع ادا کنید. ادا نکردن نذر، گناه محسوب می‌شود.^{۴۲} (ولی اگر از نذر کردن خودداری کنید، گناهی انجام نداده‌اید).^{۴۳} بعد از اینکه نذر کردید باید دقت کنید هر چه را که گفته‌اید ادا کنید، زیرا با میل خود به خداوند، خدایتان نذر کرده‌اید.

^{۴۴} از انگورهای تاکستان دیگران، هر قدر که بخواهید می‌توانید بخورید، اما نباید انگور در ظرف ریخته با خود ببرید.^{۴۵} همینطور وقتی داخل کشتزار همسایه خود می‌شوید، می‌توانید با دست خود خوشه‌ها را بچینید و بخورید، ولی حق داس زدن ندارید.

مرگ باشد مرتکب نشده است. این، مثل آن است که کسی بر شخصی حمله‌ور شده او را بکشد، زیرا دختر فریاد زده و چون در خارج از شهر بوده، کسی به کمکش نرفته است تا او را نجات دهد.^{۴۶} اگر مردی به دختری که نامزد نشده است تجاوز کند و در حین عمل غافلگیر شود، باید به پدر دختر پنجاه مثقال نقره بپردازد و با آن دختر ازدواج کند و هرگز نمی‌تواند او را طلاق بدهد.

^{۴۷} هیچکس نباید با زن پدر خود ازدواج کند، زیرا آن زن به پدر وی تعلق دارد.

اخراج از جماعت

۳۳ مردی که بیضه‌هایش له شده و یا آلت تناسلی‌اش بریده شده باشد، نباید داخل جماعت خداوند شود. شخص حرامزاده و فرزندان او تا ده نسل نباید وارد جماعت خداوند شوند.

^{۴۸} از قوم عمونی یا موآبی هیچکس وارد جماعت خداوند نشود حتی بعد از نسل دهم.^{۴۹} این دستور بدان سبب است که وقتی از مصر بیرون آمدید این قومها با نان و آب از شما استقبال نکردند و حتی بلعام، پسر يعور، اهل فتور را از بین‌النهرین اجیر کردند تا شما را لعنت کند.^{۵۰} ولی خداوند به بلعام گوش نکرد و در عوض چون شما را دوست داشت آن لعنت را به برکت تبدیل نمود.^{۵۱} پس هرگز تا زمانی که زنده هستید نباید با عمونی‌ها و موآبی‌ها صلح کنید و با آنها رابطه دوستی برقرار نمایید.^{۵۲} ولی ادومی‌ها را دشمن نشمارید، زیرا برادران شما هستند. مصریها را نیز دشمن نشمارید، زیرا زمانی در میان ایشان زندگی می‌کردید.^{۵۳} نسل سوم ادومیها و مصریها می‌توانند به جماعت خداوند داخل شوند.

ناپاکی در اردوگاه

^{۵۴} در زمان جنگ، مردانی که در اردوگاه هستند باید از هر نوع ناپاکی دوری کنند. کسی که بخاطر انزال شبانه، شرعاً نجس می‌شود باید از اردوگاه خارج گردد^{۵۵} و تا غروب بیرون بماند. سپس خود را شسته، هنگام غروب بازگردد.^{۵۶} مستراحها باید بیرون اردوگاه باشند.

امیدش به آن مزد است. اگر چنین نکنید، ممکن است نزد خداوند از دست شما ناله کند و این برای شما گناه محسوب شود.

^{۱۶} پدران نباید بسبب گناهان پسرانشان کشته شوند، و نه پسران بسبب گناهان پدرانشان. هر کس باید بسبب گناه خودش کشته شود.

^{۱۷} با غریبان و یتیمان به عدالت رفتار کنید و هرگز لباس بیوه‌زنی را در مقابل قرضی که به او داده‌اید گرو نگیرید. ^{۱۸} همیشه به یاد داشته باشید که در مصر برده بودید و خداوند، خدایان شما را نجات داد. به همین دلیل است که من این دستور را به شما می‌دهم.

^{۱۹} اگر هنگام درو کردن محصول فراموش کردید یکی از بافه‌ها را از مزرعه بیاورید، برای برداشتن آن به مزرعه باز نگردید. آن را برای غریبان، یتیمان و بیوه زنان بگذارید تا خداوند، خدایان دسترنج شما را برکت دهد. ^{۲۰} وقتی که محصول زیتون خود را از درخت می‌تکانید شاخه‌ها را برای بار دوم تکان ندهید، بلکه باقیمانده را برای غریبان، یتیمان و بیوه زنان بگذارید. ^{۲۱} درمورد انگور تاکستانان نیز چنین عمل کنید. دوباره سراغ تاکی که انگورهایش را چیده‌اید نروید، بلکه آنچه را که از انگورها باقی مانده است برای نیازمندان بگذارید. ^{۲۲} یادتان باشد که در سرزمین مصر برده بودید. به همین سبب است که من این دستور را به شما می‌دهم.

هرگاه بین دو نفر نزاعی درگیرد و آنها به دادگاه بروند، دادگاه باید مجرم را محکوم

نماید و بی‌گناه را تبرئه کند. اگر مجرم مستحق شلاق خوردن باشد باید قاضی به او دستور دهد که دراز بکشد و به نسبت جرمی که انجام داده تا چهل ضربه شلاق بخورد؛ ولی نباید بیش از چهل ضربه شلاق بزنید مبادا برادران در نظر شما خوار گردد.

^{۲۵} دهان گاو را هنگامی که خرمن خرد می‌کند نبندید. هرگاه دو برادر با هم در یک جا ساکن باشند و یکی از آنها بدون داشتن پسری بمیرد، بیوه‌اش نباید با فردی خارج از خانواده ازدواج کند، بلکه برادر شوهرش باید او را به زنی بگیرد و حق برادر شوهری را بجا آورد.

۲۴ اگر مردی پس از ازدواج با زنی، به عللی از او راضی نباشد، و طلاقنامه‌ای نوشته، به دستش دهد و او را رها سازد ^۲ و آن زن دوباره ازدواج کند ^۳ و شوهر دومی نیز از او راضی نباشد و او را طلاق دهد یا بمیرد، ^۴ آنگاه شوهر اولش نمی‌تواند دوباره با او ازدواج کند، زیرا آن زن نجس شده است. خداوند از چنین ازدواجی متنفر است و این عمل باعث می‌شود زمینی که خداوند، خدایان به شما داده است به گناه آلوده شود. ^۵ مردی را که تازه ازدواج کرده است نباید به سرربازی احضار نمود و یا مسئولیت‌های بخصوص دیگری به وی محول کرد، بلکه مدت یک سال در خانه خود آزاد بماند و با زنش خوش باشد.

^۶ گرو گرفتن سنگ آسیاب خلاف قانون است، چون وسیلهٔ امرار معاش صاحبش می‌باشد. ^۷ اگر کسی یکی از برادران اسرائیلی خود را بدزدد و با او مثل برده رفتار کند و یا او را بفروشد، این آدم دزد باید کشته شود تا شرارت از میان شما پاک گردد. ^۸ هرگاه کسی به مرض جذام مبتلا شود، باید بدقت آنچه را که کاهنان به او می‌گویند انجام دهد؛ او باید از دستوراتی که من به کاهنان داده‌ام پیروی کند. ^۹ به خاطر بیاورید آنچه را که خداوند، هنگامی که از مصر بیرون می‌آمدید با مریم کرد. *

^{۱۰} اگر به کسی چیزی قرض می‌دهید نباید برای گرفتن گرو به خانه‌اش وارد شوید. ^{۱۱} بیرون خانه بایستید تا صاحب خانه آن را برایتان بیاورد. ^{۱۲} ^{۱۳} اگر آن مرد، فقیر بوده، ردایش را که در آن می‌خوابد بعنوان گرو به شما بدهد نباید تا روز بعد، پیش خود نگه دارید بلکه هنگام غروب آفتاب آن را به او بازگردانید تا بتواند شب در آن بخوابد. آنگاه او برای شما دعای خیر خواهد کرد و خداوند، خدایان از شما راضی خواهد بود.

^{۱۴} هرگز به یک کارگر روزمزد فقیر و محتاج ظلم نکنید، چه اسرائیلی باشد و چه غریبی که در شهر شما زندگی می‌کند. مزدش را هر روز قبل از غروب آفتاب به وی پرداخت کنید، چون او فقیر است و چشم

* نکه کنیز به اعداد ۱۲، ۱۰-۱۵.

^{۳۲} باید نویر محصول برداشتی زمین خود را به مکانی که خداوند بعنوان عبادتگاه خود بر می‌گزیند بیاورید و به خداوند تقدیم کنید. آن را در سبد گذارده، به کاهنی که سر خدمت است بدهید و بگویید: «من اقرار می‌کنم که خداوند، خدایم مرا به سرزمینی که به پدران ما وعده نمود، آورده است.»^{۳۳} سپس کاهن سبد را از دست شما گرفته، آن را جلو قربانگاه خداوند، خدایتان بگذارد. بعد شما در حضور خداوند، خدایتان اقرار کرده، بگویید: «اجداد من ارامیهای سرگردانی بودند که به مصر پناه بردند. هر چند عده آنها کم بود، ولی در مصر قوم بزرگی شدند. مصری‌ها با ما بد رفتاری کردند و ما را برده خود ساختند. ما نزد خداوند، خدای پدرانمان فریاد برآوردیم و خداوند صدای ما را شنیده، زحمت و مشقت و مشکلاتمان را دید^{۳۴} و ما را با قدرت عظیم خود از مصر بیرون آورد. او در حضور مصریان معجزاتی بزرگ انجام داده، آنها را به وحشت انداخت^{۳۵} و ما را به سرزمین حاصلخیزی که در آن شیر و عسل جاری است آورد.» اکنون ای خداوند، نگاه کن، من نمونه‌ای از نویر اولین محصولات زمینی را که به من عطا کرده‌ای برایت آورده‌ام.» سپس نمونه را در حضور خداوند، خدای خود گذارده، او را پرستش کنید.^{۳۶} آنگاه بروید و بسبب تمام نعمت‌هایی که خدا به شما عطا کرده است او را شکر کنید و با خانواده خود و با لایوان و غریبانی که در میان شما زندگی می‌کنند، شادی نمایید.

^{۳۷} هر سه سال یک بار، سال مخصوص عشریه است. در آن سال باید تمام عشریه‌های محصول خود را به لایوان، غریبان، یتیمان و بیوه‌زنان شهرتان بدهید تا بخورند و سیر شوند.^{۳۸} سپس در حضور خداوند، خدایتان اعلام کنید: «ای خداوند، همانگونه که امر فرمودی تمام عشریه‌هایم را به لایوان، غریبان، یتیمان و بیوه زنان داده‌ام و از هیچکدام از قوانین تو سرپیچی ننموده آنها را فراموش نکرده‌ام.^{۳۹} زمانی که شرعاً نجس بودم و وقتی که عزادار بودم، دست به عشریه نزده‌ام و چیزی از آن را برای مردگان هدیه نکرده‌ام. از تو اطاعت کرده‌ام و تمام احکام تو را بجا آورده‌ام. ای خداوند، از آسمان که جایگاه مقدس توست نظر انداخته، قوم خود اسرائیل را برکت بده. این سرزمین

^{۴۰} نخستین پسری که از این ازدواج بدنیا بیاید بعنوان پسر برادر فوت شده محسوب گردد تا اسم آن متوفی از اسرائیل فراموش نشود، ولی اگر برادر متوفی راضی به این ازدواج نباشد، آنگاه آن زن باید نزد ریش سفیدان شهر برود و به آنها بگوید: «برادر شوهرم وظیفه‌اش را نسبت به من انجام نمی‌دهد و نمی‌گذارد نام برادرش در اسرائیل باقی بماند.» سپس ریش سفیدان شهر آن مرد را احضار کرده، با او صحبت کنند. اگر او باز راضی به ازدواج نشد، زن بیوه باید در حضور ریش سفیدان بطرف آن مرد رفته، کفش او را از پایش درآورد و آب دهان بر صورتش بیاندازد و بگوید: «بر مردی که اجاق خانه برادرش را روشن نگه نمی‌دارد اینچنین شود.»^{۴۱} و از آن پس، خاندان آن مرد در اسرائیل به «خاندان کفش کنده» معروف خواهد شد.

^{۴۲} اگر دو مرد با هم نزاع کنند و همسر یکی از آنها برای کمک به شوهرش مداخله نموده، عورت مرد دیگر را بگیرد، دست آن زن را باید بدون ترحم قطع کرد.

^{۴۳} در کلیه معاملات خود باید از ترازوهای دقیق و اندازه‌های درست استفاده کنید تا در سرزمینی که خداوند، خدایتان به شما می‌دهد زندگی طولانی داشته باشید.^{۴۴} تمام کسانی که در معاملات کلاه‌برداری می‌کنند مورد نفرت خداوند می‌باشند.

^{۴۵} هرگز نباید کاری را که مردم عمالیک هنگام بیرون آمدن از مصر با شما کردند فراموش کنید.^{۴۶} به یاد داشته باشید که ایشان بدون ترس از خدا با شما جنگیده، کسانی را که در اثر ضعف و خستگی عقب مانده بودند به هلاکت رسانیدند.^{۴۷} بنابراین وقتی که خداوند، خدایتان در سرزمین موعود شما را از شر تمامی دشمنانتان خلاصی بخشید، باید نام عمالیک را از روی زمین محو و نابود کنید. هرگز این را فراموش نکنید.

نویر محصولات و عشریه

پس از اینکه وارد سرزمین موعود شده، آن را تصرف کردید و در آن سکونت گزیدید،

حاصلخیز را نیز که طبق وعده‌ات به ما داده‌ای، برکت عطا فرما.»

قوم خاص خدا

^{۱۶} امروز خداوند، خدایتان امر می‌فرماید که تمام قوانین او را اطاعت کنید؛ پس شما با تمامی دل و جان آنها را بجا آورید. ^{۱۷} امروز اقرار کرده‌اید که او خدای شماست و قول داده‌اید از او پیروی نموده، احکامش را بجا آورید. ^{۱۸} خداوند امروز طبق وعده‌اش اعلام فرموده است که شما قوم خاص او هستید و باید تمامی قوانین او را اطاعت کنید. ^{۱۹} اگر احکامش را بجا آورید او شما را از همه قومهای دیگر بزرگتر ساخته، اجازه خواهد داد عزت، احترام و شهرت بیابید؛ اما برای کسب این عزت و احترام باید قوم مقدسی برای او باشید.

بنای یادبود بر کوه عیبال

۲۷ آنگاه موسی و ریش سفیدان اسرائیل، این دستورات را نیز به قوم دادند و از آنها خواستند تا آنها را بجا آورند:

^{۲۸} «وقتی که از رود اردن عبور کردید و به سرزمین موعود یعنی به سرزمینی که شیر و عسل در آن جاری است رسیدید، سنگهای بزرگی از کف رودخانه بیرون آورید و آنها را بصورت بنای یادبودی در آنطرف رودخانه بر کوه عیبال بر روی یکدیگر قرار دهید. روی سنگها را با گچ بپوشانید و سپس قوانین خداوند را بر آن بنویسید. ^{۲۹} در آنجا یک قربانگاه با سنگهای تراشیده که ابزار آهنی بر آنها نخورده باشد برای خداوند، خدایتان بسازید و قربانی‌های سوختنی برای خداوند، خدایتان بر آن تقدیم کنید. ^{۳۰} قربانی‌های سلامتی را نیز بر روی آن ذبح کرده، بخورید و در همانجا در حضور خداوند، خدایتان شادی کنید. ^{۳۱} کلیه این قوانین را با خط خوانا روی بنای یادبود بنویسید.»

آنگاه موسی به همراهی کاهنان لایوی خطاب به تمام بنی اسرائیل گفت: «ای اسرائیل بشنو! امروز تو قوم خداوند، خدایت شده‌ای. ^{۳۲} بنابراین باید از خداوند، خدای خود پیروی نمایی و قوانین او را که امروز به تو می‌دهم اطاعت کنی.»

لعنتها

^{۱۱} در همان روز موسی این دستور را به قوم اسرائیل داد: ^{۱۲} پس از عبور از رود اردن، قبایل شمعون، لایوی، یهودا، یساکار، یوسف و بنیامین باید بر روی کوه جرزیم بایستند و برکات را اعلام کنند. ^{۱۳} و قبایل رئوبین، جاد، اشیر، زبولون، دان و نفتالی باید بر کوه عیبال بایستند و لعنتها را اعلام کنند. ^{۱۴} آنگاه لایوی‌ها که در بین آنها ایستاده‌اند با صدای بلند به تمام بنی اسرائیل بگویند:

^{۱۵} «لعنت خدا بر کسی که بتی از سنگ، چوب یا فلز بسازد و مخفیانه آن را پرستش کند، زیرا خداوند از بت پرستی متنفر است.»

و تمامی قوم بگویند: «آمین.»

^{۱۶} «لعنت خدا بر کسی که نسبت به پدر و مادرش بی‌احترامی کند.»

و تمامی قوم بگویند: «آمین.»

^{۱۷} «لعنت خدا بر کسی که مرز بین زمین خودش و همسایه‌اش را تغییر دهد.»

و تمامی قوم بگویند: «آمین.»

^{۱۸} «لعنت خدا بر کسی که شخص نابینا را از راه منحرف کند.»

و تمامی قوم بگویند: «آمین.»

^{۱۹} «لعنت خدا بر کسی که نسبت به غریبان، یتیمان و بیوه زنان بی‌عدالتی نماید.»

و تمامی قوم بگویند: «آمین.»

^{۲۰} «لعنت خدا بر کسی که با زن پدرش همبستر شود، چون آن زن به پدرش تعلق دارد.»

و تمامی قوم بگویند: «آمین.»

^{۲۱} «لعنت خدا بر کسی که با حیوانی رابطه جنسی برقرار کند.»

و تمامی قوم بگویند: «آمین.»

^{۲۲} «لعنت خدا بر کسی که با خواهر خود، چه تنی و چه ناتنی، همبستر شود.»

و تمامی قوم بگویند: «آمین.»

^{۲۳} «لعنت خدا بر کسی که با مادر زن خود همبستر شود.»

^۳ چنانچه فقط گوش فراداده، دستورات خداوند، خدايتان را که امروز به شما می‌دهم اطاعت کنید، او شما را برتر از ديگران خواهد ساخت. ^۴ پس مواظب باشيد که از قوانينی که به شما داده‌ام به هيچ وجه سرپیچی نکنید و هرگز خدايان ديگر را عبادت و پیروی ننمایید.

عواقب ناطاعتی

(لاويان ۲۶: ۱۴-۴۶)

^{۵-۱۹} اگر به خداوند، خدايتان گوش ندهيد و قوانينی را که امروز به شما می‌دهم اطاعت نکنيد آنوقت تمام اين لعنت‌ها بر سر شما خواهد آمد:

خداوند شهر و مزرعه‌تان را لعنت خواهد کرد. او ميوه و نانتان را لعنت خواهد کرد و به شما، فرزندان و محصولات و گله و رمه کم خواهد داد. خداوند، شما را در هر کاری که بکنيد لعنت خواهد کرد.

^۶ اگر شرارت ورزیده، خدا را ترک کنید، خداوند نیز در همه کارهايتان شما را به مصيبت و اضطراب و ناکامی دچار خواهد کرد تا بکلی از میان برويد. ^۷ آنقدر بیماری در بين شما خواهد فرستاد تا از روی زمینی که بزودی آن را تصرف می‌کنيد محو و نابود شويد. ^۸ او شما را گرفتار بیماریهای مهلك و تب و التهاب خواهد کرد و خشکسالی و باد سوزان خواهد فرستاد تا محصولاتان را از بين ببرند. تمامی اين بلاها آنقدر شما را دنبال خواهند کرد تا نابود شويد. ^۹ باران از آسمان نخواهد باريد و زمین زیر پایتان چون آهن، خشک خواهد بود. ^{۱۰} عوض باران، خداوند طوفان خاک و شن خواهد فرستاد و شما را هلاک خواهد کرد.

^{۱۱} خداوند، شما را در مقابل دشمنانتان شکست خواهد داد. از یک سو عليه آنها بیرون خواهید آمد، ولی در برابر ایشان به هفت سو پراکنده خواهید شد و همه قوم‌های روی زمین با دیدن وضع اسفناک شما هراسان خواهند گردید. ^{۱۲} اجسادتان خوراک پرندهگان و حیوانات وحشی خواهد شد و کسی نخواهد بود که آنها را براند. ^{۱۳} خداوند همان دملي را که بر مصريان آورد بر شما خواهد فرستاد. او بدنهای شما را به

و تمامی قوم بگویند: «آمین».

^{۱۴} «لعنت خدا بر کسی که مخفیانه مرتکب قتل شود».

و تمامی قوم بگویند: «آمین».

^{۱۵} «لعنت خدا بر کسی که رشوه بگیرد تا فرد بی‌گناهی را به قتل برساند».

و تمامی قوم بگویند: «آمین».

^{۱۶} «لعنت خدا بر کسی که قوانين و دستورات خدا را اطاعت نکند».

و تمامی قوم بگویند: «آمین».

برکات

(لاويان ۲۶: ۳-۱۳؛ تثنيه ۷: ۱۲-۲۴)

اگر تمام فرامين خداوند، خدايتان را که امروز به شما می‌دهم بدقت اطاعت کنید، خداوند شما را قویترین قوم دنیا خواهد ساخت ^۱ و اين برکات را نصيب شما خواهد گردانيد:

شهر و مزرعه‌تان را برکت خواهد داد. فرزندان زیاد، محصولات فراوان و گله و رمه بسیار به شما خواهد بخشيد، و ميوه و نانتان را برکت خواهد داد. خداوند شما را در همه کارهايتان برکت خواهد داد.

^۲ خداوند، دشمنانتان را در مقابل شما شکست خواهد داد. آنها از یک سو عليه شما بیرون خواهند آمد، ولی در برابر شما به هفت سو پراکنده خواهند شد. ^۳ خداوند حاصل دسترنج شما را برکت خواهد داد و انبارهايتان را از غله پر خواهد ساخت. او شما را در سرزمینی که به شما می‌دهد برکت خواهد داد.

^۴ اگر اوامر خداوند، خدای خود را اطاعت کنید و در راه او گام برداريد، او نیز چنانکه وعده داده است شما را قوم مقدس خود خواهد ساخت. ^۵ آنگاه تمامی مردم جهان خواهند دید که شما قوم خاص خداوند هستيد و از شما خواهند ترسيد.

^۶ خداوند در سرزمین موعود نعمت‌های فراوان به شما خواهد بخشيد يعنی فرزندان بسیار، گله‌های زياد و محصول فراوان. ^۷ او روزنه‌های آسمان را گشوده، باران را به موقع خواهد فرستاد و شما را در همه کارهايتان برکت خواهد داد. به قوم‌های زيادی قرض خواهید داد، ولی از آنان قرض نخواهيد گرفت.

نخواهید آورد، چون میوه‌شان قبل از رسیدن خواهد ریخت.^{۴۱} پسران و دختران خواهید داشت، اما آنها را از دست شما خواهند ربود و به اسارت خواهند برد.^{۴۲} ملخها، درختها و محصولات شما را نابود خواهند کرد.^{۴۳} غریبانی که در میان شما زندگی می‌کنند روزبروز ثروتمندتر خواهند شد و شما روزبروز فقیرتر.^{۴۴} آنها به شما قرض خواهند داد، نه شما به آنها. ایشان ارباب خواهند شد و شما نوکر.

^{۴۵} تمامی این لعنتها بر سرتان خواهد آمد تا نابود شوید، زیرا نخواستید از خداوند، خدایان اطاعت کنید و از دستوراتش پیروی نمایید.^{۴۶} همه این بلاها که دامنگیر شما و فرزندانان می‌شود، درس عبرتی برای دیگران خواهد بود.^{۴۷} چون در زمان فراوانی، خداوند را با شادی و خوشی خدمت نکردید،^{۴۸} پس او دشمنانان را بر شما مسلط خواهد کرد تا در گرسنگی و تشنگی، برهنگی و بیچارگی، آنها را بندگی نمایید. یوغی آهنین برگردن شما خواهد بود تا وقتی که نابود شوید.

^{۴۹} خداوند قومی را از دور دستها به سراغتان خواهد فرستاد، قومی که زبانشان را نمی‌فهمید. ایشان مثل عقاب بر شما فرود خواهند آمد.^{۵۰} این قوم درنده‌خو، نه به پیران شما رحم خواهند کرد و نه به جوانانان.^{۵۱} آنها گله و محصولاتان را خواهند خورد و شما از گرسنگی خواهید مرد. نه غله‌ای برای شما باقی خواهد ماند، نه شراب تازه‌ای و نه روغن زیتونی، نه گوساله‌ای و نه بره‌ای.^{۵۲} تمام شهرهایان را محاصره خواهند کرد و دیوارهای محکم و بلند آنها را فروخواهند ریخت، همان دیوارهایی که فکر می‌کردید از شما حفاظت خواهند کرد.^{۵۳} در آن روزهای سخت محاصره، حتی گوشت پسران و دخترانان را هم خواهید خورد.^{۵۴} نجیب‌ترین و دلسوزترین مرد، حتی به برادر خود و زن محبوب خویش و بچه‌هایش که هنوز زنده هستند ترحم نخواهد کرد،^{۵۵} و از دادن قطعه‌ای از گوشتی که می‌خورد یعنی گوشت فرزندانش به آنها امتناع خواهد کرد، چون بخاطر محاصره شهر چیزی برای خوردن ندارد.^{۵۶، ۵۷} طریفت‌ترین و لطیف‌ترین زن که رغبت نمی‌کرد حتی نوک پایش را به زمین بگذارد، حاضر نخواهد بود

زخمهای گوناگون مبتلا خواهد کرد تا خود را بخارانی و علاجی نداشته باشید.^{۵۸} خداوند، دیوانگی، کوری و پریشانی بر شما مستولی خواهد کرد.^{۵۹} در روشنایی آفتاب مثل نابینایی که در تاریکی به سختی راه خود را پیدا می‌کند، کورکورانه راه خواهید رفت. در هیچ کاری موفق نخواهید بود. دایم مورد ظلم دیگران واقع شده، اموالتان چپاول خواهد گردید. هیچکس به دادتان نخواهد رسید.

^{۶۰} شخص دیگری با نامزدتان ازدواج خواهد کرد و در خانه‌ای که بنا می‌کنید کس دیگری زندگی خواهد کرد. میوه تاکستانی را که غرس کرده‌اید دیگران خواهند خورد^{۶۱} و گاوهایتان را در برابر چشمانتان سر خواهند برید، ولی حتی یک تکه از گوشت آنها را نخواهید خورد. الاغهایان را پیش روی شما به غارت خواهند برد. گوسفندانان به دشمنانان داده خواهند شد و کسی نخواهد بود که به داد شما برسد.^{۶۲} پسران و دخترانان را در برابر چشمانتان به بردگی خواهند برد و دلهایان در اشتیاق دیدن آنها خون خواهد شد، ولی کاری از دستتان برنخواهد آمد.^{۶۳} قومی بیگانه که حتی اسمش را هم نشنیده‌اید محصولاتی را که با هزار زحمت کاشته‌اید، خواهند خورد. همیشه زیر ظلم و ستم خواهید بود.^{۶۴} با دیدن وضع ناگوار اطراف خود دیوانه خواهید شد.^{۶۵} خداوند، شما را از سر تا پا به دملهای التیام‌ناپذیر مبتلا خواهد کرد.

^{۶۶} خداوند، شما و پادشاهی را که بر می‌گزینید نزد قومی که نه شما و نه اجدادتان می‌شناختید تبعید خواهد کرد. در آنجا خدایان چوبی و سنگی را پرستش خواهید نمود.^{۶۷} خداوند، شما را در میان قوما پراکنده خواهد ساخت و مردم با دیدن وضعیتان هراسان خواهند شد و شما در میان قوما رسوا و انگشت‌نما خواهید بود.

^{۶۸} بسیار خواهید کاشت، ولی اندک خواهید دروید، چون ملخها محصولاتان را خواهند خورد.^{۶۹} تاکستانها غرس کرده، از آنها مراقبت خواهید نمود، ولی از انگور آنها نخواهید خورد و از شراب آنها نخواهید نوشید، زیرا گرم، درختان را از بین خواهد برد.^{۷۰} در همه جا درختان زیتون خواهند روید، ولی از آنها روغنی بدست

عهد خداوند با اسرائیل در دشت موآب

این است شرایط عهدی که خداوند در سرزمین موآب توسط موسی با قوم اسرائیل بست. این عهد غیر از عهدی بود که قبلاً در کوه حوریب بسته شده بود.^{۲۹} موسی تمام بنی اسرائیل را احضار کرد و سخنان زیر را به ایشان گفت:

شما با چشمان خود بلاهایی را که خداوند بر سر فرعون و درباریاتش آورد، دیدید و شاهد معجزات عظیم خداوند در سراسر مصر بودید. ولی تا امروز خداوند دلهایی که بفهمند و چشمانی که ببینند و گوشهایی که بشنوند به شما نداده است. خداوند چهل سال شما را در بیابان هدایت کرد. در این مدت نه لباس‌هایتان کهنه شد و نه کفش‌هایتان پاره گشت. هر چند نانی برای خوردن و شرابی برای نوشیدن نداشتید، اما خداوند روزی شما را می‌رساند تا به شما بفهماند که او خدای شماست.

زمانی که به اینجا رسیدیم سیحون (پادشاه سرزمین حبشون) و عوج (پادشاه سرزمین باشان) با ما به جنگ برخاستند، ولی ما ایشان را شکست دادیم^{۳۰} و سرزمینشان را گرفتیم و به قبیله‌های رئوین، جاد و نصف قبیله منسی دادیم.

شرایط این عهد را اطاعت کنید تا در تمام کارهایتان موفق باشید.^{۳۱} همگی شما یعنی رهبران، ریش سفیدان، مردان قوم^{۳۲} همراه با کودکان و همسران و غریبانی که در بین شما زندگی می‌کنند یعنی کسانی که هیزم می‌شکنند و برایتان آب می‌آورند امروز در حضور خداوند، خدایتان ایستاده‌اید.^{۳۳} اینجا ایستاده‌اید تا به عهدی که خداوند، خدایتان امروز با شما می‌بندد وارد شوید.^{۳۴} امروز خداوند می‌خواهد شما را بعنوان قوم خود تأیید کند و خدای شما باشد، همانطور که به شما و به پدران، ابراهیم و اسحاق و یعقوب وعده داد.^{۳۵} این پیمان تنها با شما که امروز در حضورش ایستاده‌اید بسته نمی‌شود بلکه با تمام نسل‌های آینده اسرائیل نیز بسته می‌شود.

یقیناً به یاد می‌آورید که چگونه در سرزمین مصر زندگی می‌کردیم و پس از خروج از آنجا چطور از

از آنچه می‌خورد به شوهر و فرزندان محبوبش بدهد. جفت نوزاد و کودکی را که تازه بدنیا آورده، از ایشان مخفی خواهد ساخت تا خودش به تنهایی آنها را بخورد. چنین خواهد بود وحشت گرسنگی و پریشانی در زمانی که دشمنان، شما را محاصره کنند.

^{۳۶} اگر از اطاعت کلیه قوانینی که در این کتاب نوشته شده سرپیچی کنید و از احترام گذاشتن به نام مجید و مهیب خداوند، خدایتان امتناع ورزید، آنگاه خداوند بر شما و فرزندانان پلایهای سخت و امراض غیرقابل علاج خواهد فرستاد.^{۳۷} خداوند، شما را به تمام امراضی که در مصر از آنها می‌ترسیدید دچار خواهد کرد و علاجی نخواهد بود.^{۳۸} خداوند هر گونه بیماری و بلایی را که وجود دارد، حتی آنهایی را که در این کتاب اسمی از آنها برده نشده به سراغ شما خواهد فرستاد تا نابود شوید.^{۳۹} اگر چه قبلاً به اندازه ستارگان آسمان، بی‌شمار بودید، تعداد کمی از شما باقی خواهند ماند، زیرا از خداوند، خدایتان اطاعت نکردید.

^{۴۰} همانطور که خداوند از احسان کردن و افزودن شما شادی کرده است، همانگونه نیز در آنوقت از نابود کردن شما خوشحال خواهد شد و شما از سرزمینی که تصرف می‌کنید ریشه کن خواهید گشت.^{۴۱} خداوند، شما را در میان تمامی ملتها از یک گوشه عالم تا گوشه دیگر پراکنده خواهد ساخت. در آنجا خدایان دیگر را که نه خود می‌شناختید و نه پدران، پرستش خواهید کرد، خدایانی که از چوب و سنگ ساخته شده‌اند.^{۴۲} در میان آن قومها روی آرامش را نخواهید دید، بلکه خداوند به شما دلهایی لرزان و چشمانی گریان و افکاری پریشان خواهد داد.^{۴۳} زندگی شما دائم در خطر خواهد بود، شب و روزتان با ترس سپری خواهد شد و امیدی برای دیدن روشنایی صبح نخواهید داشت.^{۴۴} بخاطر آنچه که می‌بینید، ترس و وحشت وجود شما را فرا خواهد گرفت. صبحگاهان خواهید گفت: «ای کاش شب می‌شد!» و شامگاهان: «ای کاش صبح می‌شد!»^{۴۵} خداوند، شما را با کشتی به مصر خواهد فرستاد هر چند قبلاً گفته بودم که هرگز دیگر مصر را نخواهید دید. در آنجا حاضر خواهید شد حتی خود را به بردگی دشمنانان بفروشید، اما خریداری نخواهید داشت.

^{۲۹} اسراری هست که خداوند، خدایمان بر ما کشف نفرموده است، اما او قوانین خود را بر ما و فرزندانمان آشکار نموده است تا آنها را اطاعت کنیم.

شرط دریافت برکت

۳۰ هنگامی که تمام این برکتها و لعنتها اتفاق بیافتد و شما در میان قومهای بیگانه‌ای که خداوند، خدایتان شما را به آنجا رانده است سخنان مرا به یاد بیاورید^{۳۱} و بسوی خداوند، خدایتان بازگشت نمایید و شما و فرزندانان با تمامی دل فرامینی را که امروز به شما دادم اطاعت کنید،^{۳۲} آنگاه خداوند، خدایتان شما را از اسارت نجات خواهد داد. او بر شما ترحم خواهد کرد و شما را از بین تمام قومهایی که شما را در آنها پراکنده کرده است جمع خواهد نمود. اگر در دورترین نقاط دنیا هم باشید او شما را جمع می‌کند^{۳۳} و به سرزمین نیاکانتان باز می‌گرداند تا دوباره مالک آن شوید. او به شما برکت داده، بیش از پیش شما را خواهد افزود.^{۳۴} او دل‌های شما و فرزندانان را پاک خواهد کرد تا خداوند، خدایتان را با تمامی دل و جان دوست بدارید و در آن سرزمین زنده بمانید.

^{۳۵} اگر بسوی خداوند بازگشت نمایید و همه فرامینی را که من امروز به شما می‌دهم اطاعت کنید خداوند، خدایتان نیز همه این لعنتها را متوجه دشمنانان و کسانی که به شما آزار می‌رسانند خواهد کرد.^{۳۶} خداوند، خدایتان شما را در تمام کارهایتان برکت خواهد داد و به شما فرزندان بسیار و گله و محصول فراوان عطا خواهد کرد، چون خداوند بار دیگر از شما راضی خواهد شد، همچنانکه از پدران شما راضی بود.^{۳۷} پس فرامینی را که در این کتاب قانون نوشته شده، اطاعت کنید و با تمامی دل و جان بسوی خداوند، خدایتان بازگشت نمایید.^{۳۸} اطاعت از این فرامین، خارج از توانایی و دسترس شما نیست.^{۳۹} چون این قوانین در آسمان نیست که کسی نتواند آنها را پایین بیاورد تا آنها را بشنوید و اطاعت کنید و در ماورای دریاها هم نیست که بگویید: «چه کسی می‌تواند به آنجا رفته، آنها را برای ما بیاورد تا آنها را بشنویم و اطاعت کنیم؟»^{۴۰} این قوانین به شما بسیار نزدیکند. آنها

میان قوم‌های دیگر گذشتیم.^{۴۱} شما بت‌های قبیح آن سرزمینها را دیدید که از چوب و سنگ و نقره و طلا ساخته شده بودند.^{۴۲} امروز در میان شما مرد یا زن، خاندان یا قبیله‌ای نباشد که از خداوند، خدایمان برگردد و بخواید این خدایان را بپرستد و با این کار، بتدريج قوم را مسموم کند.

^{۴۳} کسی در میان شما نباشد که پس از شنیدن این هشدارها، آنها را سرسری بگیرد و فکر کند اگر به راه‌های گستاخانه خود ادامه دهد صدمه‌ای نخواهد دید. این کار او همگی شما را نابود خواهد کرد؛^{۴۴} چون خداوند از سر تقصیرات او نمی‌گذرد بلکه خشم و غیرتش برضد آن شخص شعله‌ور خواهد شد و تمام لعنت‌هایی که در این کتاب نوشته شده بر سر او فرود خواهد آمد و خداوند اسم او را از روی زمین محو خواهد کرد.^{۴۵} خداوند او را از تمامی قبیله‌های اسرائیل جدا خواهد نمود و کلیه لعنت‌هایی را که در این کتاب ذکر شده، بر سر او نازل خواهد کرد.^{۴۶} آنگاه فرزندان شما و نسل‌های آینده و غریبانی که از کشورهای دور دست از سرزمین شما عبور کنند، بلاها و بیماریهایی را که خداوند بر این سرزمین نازل کرده است خواهند دید.^{۴۷} آنها خواهند دید که تمام زمین، شوره‌زاری است خشک و سوزان که در آن نه چیزی کاشته می‌شود و نه چیزی می‌روید. سرزمینتان درست مثل سدوم و عموره و ادمه و صوبوئیم خواهد بود که خداوند در خشم خود آنها را ویران کرد.^{۴۸} قومها خواهند پرسید: «چرا خداوند با این سرزمین چنین کرده است؟ دلیل این خشم بی‌امان او چه بوده است؟»^{۴۹} در جواب ایشان گفته خواهد شد: «چون مردم این سرزمین عهدی را که هنگام خروج از مصر خداوند، خدای پدرانشان با ایشان بسته بود، شکستند.^{۵۰} ایشان به پرستش خدایانی پرداختند که آنها را قبلاً نمی‌شناختند و خداوند، پرستش آنها را منع کرده بود.^{۵۱} پس خشم خداوند علیه این سرزمین افروخته شد و کلیه لعنت‌های او که در این کتاب نوشته شده، بر سرشان فرو ریخت.^{۵۲} خداوند با خشم و غضب شدید خود، ایشان را از سرزمینشان ریشه کن ساخت و آنها را به سرزمین دیگری راند که تا امروز در آنجا زندگی می‌کنند.»

با شما خواهد بود. او شما را تنها نخواهد گذاشت و ترک نخواهد کرد.»

^۷آنگاه موسی یوشع را احضار کرده، در حضور تمامی قوم اسرائیل به او گفت: «قوی و دلیر باش، زیرا تو این قوم را به سرزمینی که خداوند به اجدادشان وعده داده است رهبری خواهی کرد تا آنجا را تصرف کنند. ^۸ترسان نباش، زیرا خداوند با تو خواهد بود و پیشاپیش تو حرکت خواهد کرد. او تو را تنها نخواهد گذاشت و ترک نخواهد کرد.»

قرائت قوانین خداوند

^۹آنگاه موسی قوانین خدا را نوشت و آن را به کاهنان لاوی که صندوق عهد خداوند را حمل می‌کردند و نیز به ریش سفیدان اسرائیل سپرد. ^{۱۰}او به ایشان فرمود: «این قوانین را در پایان هر هفت سال، یعنی در سالی که قرضها بخشیده می‌شود، هنگام عید خیمه‌ها که تمام قوم اسرائیل در حضور خداوند در مکانی که او برای عبادت تعیین می‌کند جمع می‌شوند، برای آنها بخوانید. ^{۱۱}تمام مردان، زنان، بچه‌ها و غریبانی را که در میان شما زندگی می‌کنند جمع کنید تا قوانین خداوند را بشنوند و یاد بگیرند که خداوند، خدایان را احترام نمایند و دستوراتش را اطاعت کنند. ^{۱۲}چنین کنید تا بچه‌هایان که با این قوانین آشنایی ندارند آنها را بشنوند و بیاموزند که در سرزمین موعود تا هنگامی که زنده‌اند، خداوند را احترام نمایند.»

آخرین دستورات خداوند به موسی

^{۱۳}آنگاه خداوند به موسی فرمود: «پایان عمرت نزدیک شده است. یوشع را بخوان و با خود به خیمه عبادت بیاور تا دستورات لازم را به او بدهم.» پس موسی و یوشع به خیمه عبادت وارد شدند. ^{۱۴}در خیمه عبادت، خداوند در ابر ظاهر شد و ابر، بالای در خیمه ایستاد. ^{۱۵}سپس خداوند به موسی گفت: «تو خواهی مرد و به پدران ملحق خواهی شد. بعد از تو، این قوم در سرزمین موعود به من خیانت کرده، به پرستش خدایان بیگانه خواهند پرداخت و مرا از یاد برده، عهدی را که با ایشان بسته‌ام خواهند شکست.

در دلها و بر لبهایان هستند تا بتوانید آنها را اطاعت کنید.

^{۱۶}من امروز مرگ و زندگی، بدی و خوبی را در برابر شما قرار داده‌ام تا یکی را برگزینید. ^{۱۷}من امروز به شما دستور داده‌ام که خداوند، خدایان را دوست داشته در راه او گام بردارید و قوانین او را نگاه دارید تا زنده مانده، قومی بزرگ بشوید و خداوند، خدایان به شما در سرزمینی که تصرف خواهید کرد، برکت بدهد. ^{۱۸}ولی اگر گوش ندهید و اطاعت نکنید و بدنبال خدایان دیگر بروید و آنها را بپرستید، ^{۱۹}در اینصورت همین امروز به شما اعلام می‌کنم که یقیناً نابود خواهید شد و در سرزمینی که تصرف می‌کنید، عمری طولانی نخواهید داشت.

^{۲۰}زمین و آسمان را شاهد می‌گیرم که امروز زندگی و مرگ، برکت و لعنت را در برابر شما قرار داده‌ام. زندگی را انتخاب کنید تا شما و فرزندانان زنده بمانید. ^{۲۱}خداوند، خدایان را دوست داشته، از او اطاعت کنید و به او بچسبید، زیرا او زندگی شماست و به شما و فرزندانان در سرزمینی که به پدرانان ابراهیم و اسحاق و یعقوب وعده داده است، عمری طولانی عطا خواهد فرمود.

یوشع جانشین موسی می‌شود

۳۱ موسی در ادامه سخنان خود به قوم اسرائیل چنین گفت: «من اکنون صد و بیست سال دارم و دیگر قادر نیستم شما را رهبری کنم. خداوند به من گفته است از رود اردن عبور نخواهم کرد. ^۲خود خداوند شما را رهبری خواهد نمود و قوم‌هایی را که در آنجا زندگی می‌کنند نابود خواهد کرد و شما سرزمین ایشان را به تصرف خود درخواهید آورد. طبق فرمان خداوند، یوشع رهبر شما خواهد بود. ^۳خداوند همانطور که سیحون و عوج، پادشاهان اموری را هلاک ساخته، سرزمینشان را ویران نمود، قوم‌هایی را نیز که در این سرزمین زندگی می‌کنند نابود خواهد کرد. ^۴خداوند، ایشان را به دست شما تسلیم خواهد کرد و شما باید طبق دستوری که داده‌ام با آنها رفتار کنید. ^۵قوی و دلیر باشید. از ایشان ترسید. خداوند، خدایان

نمی‌پسندد همان را انجام خواهید داد و او را بسیار غضبناک خواهید کرد.»

سرود موسی

^{۳۰}سپس موسی این سرود را برای تمام جماعت اسرائیل خواند:

۳۳ ای آسمان گوش بگیر تا بگویم،
و ای زمین سخنان مرا بشنو!

^۱تعلیم من مثل باران خواهد بارید
و مانند شبنم بر زمین خواهد نشست.
کلام من مثل قطره‌های باران بر سبزه تازه،
و مانند نم‌نم باران بر گیاهان فرو خواهد ریخت.
^۲نام خداوند را ستایش خواهم کرد،
و قوم او عظمت وی را وصف خواهند نمود.
^۳خداوند همچون صخره‌ای است و اعمالش کامل و
عادل.

اوست خدای امین و دادگر،

از گناه مبرا و با انصاف.

^۴قوم او فاسد شده، باعث ننگ او گشته‌اند،
آنها دیگر فرزندان او نیستند، بلکه قومی هستند کج‌رو
و متمرد.

^۵آی قوم احمق و نادان!

آیا اینچنین از خدای خود قدردانی می‌کنی؟

آیا او پدر و خالق تو نیست؟

آیا او نبود که تو را بوجود آورد؟

^۶روزهای گذشته را به یاد آر،

از پدران خود بپرس تا به تو بگویند،

از ریش سفیدان سوال کن تا به تو جواب دهند.

^۷خدای متعال، زمین را بین قومها تقسیم کرد

و مرزهای آنها را تعیین نمود،

^۸ولی قوم اسرائیل را برگزید تا ملک او باشد.

^۹او اسرائیل را در بیابان خشک و سوزان یافت،

او را دربر گرفت و از او مراقبت کرد،

و مانند مردمک چشم خود از او محافظت نمود،

^{۱۰}درست مانند عقابی که جوجه‌هایش را به پرواز در
می‌آورد،

^{۱۷}آنگاه خشم من بر ایشان شعله‌ور شده، ایشان را ترک
خواهم کرد و رویم را از ایشان برخوایم گرداند تا
نابود شوند. سختیها و بلاهای بسیار بر ایشان نازل
خواهد شد بطوری که خواهند گفت: خدا دیگر در
میان ما نیست. ^{۱۸}من بسبب گناه بت‌پرستی‌شان رویم را
از ایشان بر می‌گردانم.

^{۱۹}«اکنون کلمات این سرود را که به تو می‌دهم بنویس
و به مردم اسرائیل یاد بده تا هشدارى به آنها باشد.
^{۲۰}زمانی که ایشان را به سرزمینی که به پدران‌شان وعده
داده بودم آوردم، یعنی به سرزمینی که شیر و عسل در
آن جاری، است و پس از اینکه سیر و فربه شدند و به
پرستش خدایان دیگر پرداختند و مرا رد نموده، عهد
مرا شکستند ^{۲۱}و به سختیها و بلاهای بسیار دچار
شدند، در آن هنگام، این سرود دلیل محنت‌هایشان را
به یاد آنها خواهد آورد. این سرود از نسلی به نسل
دیگر، سینه به سینه نقل خواهد شد. من از همین حالا،
حتی قبل از اینکه وارد سرزمین موعود شوم، افکار
ایشان را می‌دانم.»

^{۲۲}پس در همان روز، موسی کلمات سرود را نوشت و
آن را به قوم اسرائیل یاد داد. ^{۲۳}سپس خداوند به یوشع
فرمود: «قوی و دلیر باش، زیرا تو باید مردم اسرائیل را به
سرزمینی که من به ایشان وعده داده‌ام هدایت کنی، و من
با تو خواهم بود.»

^{۲۴}وقتی که موسی کلیه قوانینی را که در این کتاب ثبت
شده است نوشت، ^{۲۵}به لاویانی که صندوق عهد
خداوند را حمل می‌کردند فرمود: ^{۲۶}«این کتاب قانون را
بعنوان هشدارى جدی به قوم اسرائیل، درکنار صندوق
عهد خداوند، خدایان قرار دهید. ^{۲۷}چون می‌دانم که
این قوم چقدر یاغی و سرکشند. اگر امروز که در میان
ایشان هستم نسبت به خداوند اینچنین یاغی شده‌اند،
پس، بعد از مرگ من چه خواهند کرد. ^{۲۸}اکنون کلیه
رهبران و ریش سفیدان قبیله‌هایتان را احضار کنید تا
این سخنان را به ایشان بگویم و زمین و آسمان را بر
ایشان شاهد بگیرم. ^{۲۹}می‌دانم که پس از مرگ من، خود
را بکلی آلوده کرده، از دستوراتی که به شما داده‌ام
سرپیچی خواهید کرد. در روزهای آینده، مصیبت
گریبان‌گیر شما خواهد شد، زیرا آنچه را که خداوند

و بالهای خود را می‌گشاید تا آنها را بگیرد و با خود ببرد.
^{۱۲} او قوم خود را خودش رهبری نمود و هیچ خدای دیگری با وی نبود.
^{۱۳} خداوند به آنها کوهستانهای حاصلخیز بخشید تا از محصول آنها سیر شوند.
 او به ایشان عسل از میان صخره، و روغن از میان سنگ خارا داد.
^{۱۴} بهترین گاو و گوسفندان را به آنان بخشید تا از آنها شیر و کره فراوان بدست آورند.
 قوچها و بزها و بره‌های فربه، عالیترین گندمها و مرغوبترین شرابها را به آنها عطا فرمود.
^{۱۵} اما بنی اسرائیل سیر شده، یاغی گشتند، فربه و تنومند و چاق شده، خدایی را که آنها را آفریده بود ترک نمودند، و «صخره نجات» خود را به فراموشی سپردند.
^{۱۶} آنها با بت پرستی قبیح خود، خشم و غیرت خداوند را برانگیختند.
^{۱۷} به تنها که خدا نبودند قربانی تقدیم کردند به خدایان جدیدی که پدرانشان هرگز آنها را نشناخته بودند، خدایانی که بنی اسرائیل آنها را پرستش نکرده بودند.
^{۱۸} آنها خدایی را که «صخره» شان بود و ایشان را بوجود آورده بود، فراموش کردند.
^{۱۹} وقتی خداوند دید که پسران و دخترانش چه می‌کنند، خشمگین شده از آنان بیزار گشت.
^{۲۰} او فرمود: «آنها را ترک می‌کنم تا هر چه می‌خواهد بر سرشان بیاید، زیرا آنها قومی یاغی و خیانتکار هستند.
^{۲۱} آنها با پرستش خدایان بیگانه و باطل، خشم و غیرت مرا برانگیختند، من نیز با محبت نمودن قومهای بیگانه و باطل آنها را به خشم و غیرت می‌آورم.
^{۲۲} خشم من افروخته شده، زمین و محصولش را خواهد سوزانید، و تا اعماق زمین فرو رفته، بنیاد کوهها را به آتش خواهد کشید.
^{۲۳} «بلايا بر سر ایشان خواهم آورد و تمام تیره‌های خود را بسوی ایشان پرتاب خواهم کرد.
^{۲۴} آنها را با گرسنگی و تب سوزان و مرض کشنده از پای در خواهم آورد.
 حیوانات وحشی را به جان آنها خواهم انداخت و مارهای سمی را خواهم فرستاد تا ایشان را بگزند.
^{۲۵} در بیرون، شمشیر دشمنان، کشتار خواهد کرد و در درون خانه‌ها وحشت حکمفرما خواهد بود.
 پسران و دختران، کودکان و پیران، نابود خواهند شد.
^{۲۶} می‌خواستم آنها را بکلی هلاک کنم، بطوری که یاد آنها نیز از خاطرها محو گردد، ولی فکر کردم که شاید دشمنان بگویند: قدرت ما بود که آنها را نابود کرد نه قدرت خداوند.»
^{۲۸} اسرائیل قومی است نادان و بی‌فهم.
^{۲۹} ای کاش شعور داشت و می‌فهمید که چرا شکست خورده است.
^{۳۰} چرا هزار نفرشان از یک نفر، و ده هزار نفرشان از دو نفر شکست خوردند؟ زیرا «صخره» ایشان، ایشان را ترک کرده بود، خداوند ایشان را به دست دشمن تسلیم نموده بود.
^{۳۱} حتی دشمنانشان نیز می‌دانند که «صخره» شان مانند «صخره» اسرائیل نیست.
^{۳۲} دشمنان اسرائیل مانند مردم سدوم و عموره فاسدند، مثل درختانی می‌باشند که انگور تلخ و سمی به بار می‌آورند،
^{۳۳} مانند شرابی هستند که از زهر مار گرفته شده باشد.
^{۳۴} آنچه دشمنان کرده‌اند از نظر خداوند مخفی نیست، او به موقع آنها را مجازات خواهد کرد.
^{۳۵} انتقام و جزا از آن خداوند است.
 بزودی آنها خواهند افتاد، زیرا روز هلاکت ایشان نزدیک است.
^{۳۶} خداوند به داد قومش خواهد رسید و بر بندهانش شفقت خواهد فرمود، وقتی ببیند که قوت ایشان از بین رفته

و برای برده و آزاد رمقی نمانده است.
^{۳۷،۳۸} خداوند به قومش خواهد گفت:
 «کجا هستند خدایان شما،
 «صخره هایی» که به آنها پناه می بردید
 و پیه قربانی ها را به آنان می خوراندید
 و شراب برای نوشیدن به آنها تقدیم می کردید؟
 بگذارید آنها برخیزند و به شما کمک کنند
 و برای شما پناهگاه باشند.
^{۳۹} «بدانید که تنها من خدا هستم
 و خدای دیگری غیر از من نیست.
 می میرانم و زنده می سازم،
 مجروح می کنم و شفا می بخشم،
 و کسی نمی تواند از دست من برهاند.
^{۴۰} من که تا ابد زنده هستم،
 دست خود را به آسمان برافراشته، اعلام می کنم
 که شمشیر براق خود را تیز کرده،
 بر دشمنانم داوری خواهم نمود.
^{۴۱} از آنها انتقام خواهم گرفت
 و کسانی را که از من نفرت دارند مجازات خواهم کرد.
^{۴۲} تیرهایم غرق خون دشمنان خواهند شد،
 شمشیرم گوشت کشته شدگان و اسیران را خواهد درید
 و به خون آنها آغشته خواهد گشت،
 سرهای رهبران آنها پوشیده از خون خواهند شد.»
^{۴۳} ای قومها با قوم خداوند شادی کنید،
 زیرا او انتقام خون بندگانش را خواهد گرفت.
 او از دشمنان خود انتقام خواهد گرفت
 و قوم و سرزمین خود را از گناه پاک خواهد ساخت.
آخرین دستورات موسی
^{۴۴،۴۵} وقتی که موسی و یوشع کلمات این سرود را برای
 قوم اسرائیل خواندند،^{۴۶} موسی به قوم گفت: «به سخنانی
 که امروز به شما گفتم توجه کنید و به فرزندان خود
 دستور دهید تا بدقت از تمام قوانین خدا اطاعت کنند؛
^{۴۷} زیرا این قوانین کلماتی بی ارزش نیستند، بلکه حیات
 شما هستند. از آنها اطاعت کنید تا در سرزمینی که در
 آنطرف رود اردن تصرف خواهید کرد عمر طولانی داشته
 باشید.»

^{۴۸} همان روز خداوند به موسی گفت: «به کوهستان
 عباریم واقع در سرزمین موآب مقابل اریحا برو. در آنجا بر
 کوه نبو برای و تمام سرزمین کنعان را که به قوم اسرائیل
 می دهم، ببین. ^{۴۹} سپس تو در آن کوه خواهی مرد و به
 اجداد خود خواهی پیوست همانطور که برادرت هارون
 نیز در کوه هور درگذشت و به اجداد خود پیوست، ^{۵۰} زیرا
 هر دو شما در برابر قوم اسرائیل، کنار چشمه مریبه فادش
 واقع در بیابان سین، حرمت قدوسیت مرا نگه نداشتید.
^{۵۱} سرزمینی را که به قوم اسرائیل می دهم، در برابر خود،
 خواهی دید ولی هرگز وارد آن نخواهی شد.»

موسی قبایل اسرائیل را برکت می دهد

این است برکتی که موسی، مرد خدا، قبل از
^{۳۳} مرگش به قوم اسرائیل داد:
^۱ خداوند از کوه سینا آمد،
 او از کوه سعیر طلوع کرد
 و از کوه فاران درخشید.
 دهها هزار فرشته همراه او بودند
 و آتشی مشتعل در دست راست او.
^۲ او قوم خود را دوست می دارد
 و از آنها حمایت می کند،
 ایشان نزد پاهای او می نشینند
 و از سخنانش بهره مند می گردند.
^۳ قوانینی که من برای قوم اسرائیل آوردم،
 میراث ایشان است.
^۴ وقتی قبایل و رهبران اسرائیل جمع شدند،
 خداوند را به پادشاهی خود برگزیدند.
^۵ موسی درباره قبیله رثوبین چنین گفت:
 «رثوبین زنده باشد و نمیرد
 و افراد قبیله اش کم نشوند.»
^۶ و درباره قبیله یهودا گفت:
 «ای خداوند، صدای یهودا را بشنو!
 او را با قومش متحد گردان،
 او را در مقابل دشمنان یاری ده
 تا بتواند از خود دفاع کند.»
^۷ درباره قبیله لاوی گفت:

این برکات بر هزاره‌های منسی** و ده هزاره‌های افرایم** باد.»^{۱۸}
 «موسی دربارهٔ قبایل زبولون و یساکار چنین گفت:
 «ای زبولون سفرهای تو با شادی همراه باشد،
 و تو ای یساکار در خیمه‌های خود شادمان باش.
^{۱۹}زبولون و یساکار قوم‌ها را به کوه خود دعوت خواهند کرد
 و در آنجا قربانی‌های راستین تقدیم خواهند نمود.
 ثروت دریا از آن ایشان خواهد شد
 و گنجینه‌های نهفته در شن نصیب آنها خواهد گردید.»
^{۲۰}دربارهٔ قبیلهٔ جاد گفت:
 «برکت بر کسانی باد که به جاد کمک می‌کنند.
 او مانند شیری است درنده و قوی.
^{۲۱}بهرترین قسمت سرزمین را برای خود برگزید،
 قسمتی را که سهم حاکم بود به او دادند.
 او مردم را هدایت کرد
 و حکم و داوری خدا را در مورد اسرائیل اجرا نمود.»
^{۲۲}موسی دربارهٔ قبیلهٔ دان چنین گفت:
 «دان مانند بچه شیری است که از باشان می‌جهد.»
^{۲۳}دربارهٔ قبیلهٔ نفتالی گفت:
 «نفتالی از رحمت‌ها و برکات خداوند لبریز است،
 مرز جنوبی سرزمین او، تا دریاچه جلیل وسعت خواهد یافت.»
^{۲۴}دربارهٔ قبیلهٔ اشیر چنین گفت:
 «اشیر بیش از قبایل دیگر برکت یافته است.
 در میان برادرانش محبوب باشد
 و سرزمینش از محصول زیتون غنی گردد.
^{۲۵}شهرهایش با دروازه‌های آهنین محصور شود،
 و تا وقتی زنده است از قدرتش کاسته نگردد.»
^{۲۶}ای اسرائیل، خدایی مانند خدای تو نیست.
 او با شکوه و جلال بر ابرهای آسمان سوار می‌شود
 تا به کمک تو بیاید.
^{۲۷}خدای ازلی پناهگاه توست
 و بازوان ابدی او تو را محافظت خواهند کرد.
 او دشمنان را از مقابل تو خواهد راند

«ای خداوند، اوریم و تمیم* خود را
 به خادمان امین خود سپردی.
 تو ایشان را در مسا آزمودی
 و درکنار چشمهٔ مریبه امتحان نمودی.
^۱ایشان تو را بیش از پدر و مادر، برادر و فرزند خود،
 دوست داشتند،
 از کلام تو اطاعت کردند و نسبت به عهد تو وفادار
 ماندند.
^۲آنها قوانین تو را به بنی اسرائیل می‌آموزند
 و بر قربانگاه تو، بخور و قربانی به تو تقدیم می‌کنند.
^۳ای خداوند، قبیلهٔ لاوی را برکت بده
 و خدمت ایشان را قبول بفرما.
 کمر دشمنانشان را بشکن تا دیگر برنخیزند.»
^۴موسی دربارهٔ قبیلهٔ بنیامین چنین گفت:
 «او محبوب خداوند است
 و در پناه او زیست می‌کند،
 خداوند تمامی روز او را احاطه می‌نماید
 و از هر بلایی او را حفظ می‌کند.»
^۵دربارهٔ قبیلهٔ یوسف چنین گفت:
 «خداوند سرزمینشان را برکت دهد،
 با باران و با آبهای زیر زمین.
^۶سرزمینشان در هر فصلی پر بار باشد
 و از محصولاتی که آفتاب می‌رویاند غنی گردد.
^۷کوه‌های قدیمی‌شان پر از درخت میوه شوند
 و تپه‌های جاودانی‌شان حاصلخیز گردند.
^۸در زمینشان وفور نعمت باشد
 و ایشان از رضایت خداوند برخوردار گردند،
 خداوندی که دربوتهٔ مشتعل ظاهر گشت.
 تمامی این برکات بر یوسف باد،
 بر کسی که میان برادران خود شاهزاده بود.
^۹یوسف در قوت مانند گاو جوان است،
 و همچون گاو وحشی با شاخهای خویش تمام قوم‌ها
 را می‌زند.

* اوریم و تمیم دو شیء بود که جهت پی بردن به خواست فرآه بوسیلهٔ لاهن بکار می‌رفتند. نکه لئید به خروج ۲۸: ۳۰

** منسی و افرایم فرزندان یوسف بودند.

^{۱۰} در اسرائیل پیامبری مانند موسی نبوده است که خداوند با او رودرو صحبت کرده باشد. ^{۱۱} موسی به فرمان خداوند، معجزات عظیمی در حضور فرعون مصر، دربارانش و تمام قوم او انجام داد. ^{۱۲} هیچکس تا بحال نتوانسته است قدرت و معجزات شگفت‌انگیزی را که موسی در حضور قوم اسرائیل نشان داد، ظاهر سازد.

و به تو خواهد گفت که آنها را هلاک کنی. ^{۱۸} پس اسرائیل در امنیت ساکن خواهد شد. او در سرزمینی زندگی خواهد کرد که پر از غله و شراب است و از آسمان آن شبنم بر زمین می‌بارد. ^{۱۹} خوشبحال تو، ای اسرائیل، زیرا هیچ قومی مثل تو نیست، قومی که خداوند، آن را نجات داده باشد. خداوند سپر و شمشیر توست، او تو را کمک می‌کند و به تو پیروزی می‌بخشد. دشمنانت در مقابل تو به زانو در خواهند آمد و تو ایشان را پایمال خواهی نمود.

مرگ موسی

۳۴ آنگاه موسی از دشتهای موآب به قلهٔ پیسگاه در کوه نبو، که در مقابل اریحاست رفت و خداوند تمامی سرزمین موعود را به او نشان داد: از جلعاد تا دان، تمام زمین قبیلهٔ نفتالی، زمینهای قبایل افرایم و منسی، زمین قبیلهٔ یهوذا تا دریای مدیترانه، صحرای نگب و تمام ناحیهٔ درهٔ اریحا (شهر نخلستان) تا صوغر. ^۱ خداوند به موسی فرمود: «این است سرزمینی که من به ابراهیم و اسحاق و یعقوب وعده دادم که به فرزندانشان بدهم. اکنون به تو اجازه دادم آن را ببینی، ولی پایت را در آنجا نخواهی گذاشت.» ^۲ بنابراین موسی، خدمتگزار خداوند، چنانکه خداوند گفته بود در سرزمین موآب درگذشت. ^۳ خداوند او را در دره‌ای نزدیک بیت‌فغور در سرزمین موآب دفن نمود، ولی تا به امروز هیچکس مکان دفن او را نمی‌داند. ^۴ موسی هنگام مرگ صد و بیست سال داشت، با وجود این هنوز نیرومند بود و چشمانش به خوبی می‌دید. ^۵ قوم اسرائیل سی روز در دشتهای موآب برای او عزاداری کردند. ^۶ یوشع (پسر نون) پر از روح حکمت بود، زیرا موسی دشتهای خود را بر او نهاده بود. بنابراین مردم اسرائیل از او اطاعت می‌کردند و دستوراتی را که خداوند به موسی داده بود پیروی می‌نمودند.